

فهرست

ترجمة فعل

بخش ۲
نمره ۹/۵

قسمت ۱: کادرهای آموزشی	۶
قسمت ۲: تمرین کتاب درسی	۲۳
قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی	۲۸

ترجمه و درک مطلب

بخش ۲
نمره ۹/۵

درس اول	
بسته ۱: متن درس	۳۴
بسته ۲: إعلموا	۳۷
بسته ۳: تمرین	۴۲
درس دوم	
بسته ۱: متن درس	۴۸
بسته ۲: إعلموا	۵۶
بسته ۳: تمرین	۵۹
درس سوم	
بسته ۱: متن درس	۶۵
بسته ۲: إعلموا	۷۳
بسته ۳: تمرین	۷۶
درس چهارم	
بسته ۱: متن درس	۸۰
بسته ۲: إعلموا	۸۸
بسته ۳: تمرین	۹۰
درس پنجم	
بسته ۱: متن درس	۹۸
بسته ۲: إعلموا	۱۰۰
بسته ۳: تمرین	۱۰۲

واژگان

بخش ۲
نمره ۹/۵

درس اول	
بسته ۱: معنی کلمات	۱۰۶
بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۱۱
بسته ۴: جمع مکسر	۱۱۴
بسته ۵: انواع اسم	۱۱۵
درس دوم	
بسته ۱: معنی کلمات	۱۱۷
بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۲۳
بسته ۴: جمع مکسر	۱۲۶
بسته ۵: انواع اسم	۱۲۸
درس سوم	
بسته ۱: معنی کلمات	۱۳۰
بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۳۶
بسته ۴: جمع مکسر	۱۳۹
بسته ۵: انواع اسم	۱۴۰
درس چهارم	
بسته ۱: معنی کلمات	۱۴۳
بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۵۰
بسته ۴: جمع مکسر	۱۵۲
بسته ۵: انواع اسم	۱۵۴
درس پنجم	
بسته ۱: معنی کلمات	۱۵۶
بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد	۱۶۰
بسته ۴: جمع مکسر	۱۶۲
بسته ۵: انواع اسم	۱۶۴

بخش ۵ ۲/۵ تجزیه

تحلیل صرفی و اعراب

۲۰۲	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۲۰۷	قسمت ۲: محل اعرابی
۲۱۲	قسمت ۳: سوالات درس به درس

بخش ۶ ۳/۵ تجزیه

پاسخ نامه تشریحی

۲۲۸	بخش ۱: ترجمه فعل
۲۳۰	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۲۴۵	بخش ۳: واژگان
۲۶۶	بخش ۴: قواعد
۲۷۵	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

بخش ۷ ۴/۵ تجزیه

امتحان نهایی

۲۸۴	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۸۶	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۸۸	آزمون ۳: دی ماه ۱۴۰۲
۲۹۰	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۹۳	آزمون ۵: مرداد ماه ۱۴۰۳
۲۹۵	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

بخش ۸ ۱/۵ تجزیه

قواعد

درس اول	
۱۶۸	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۷۵	بسته ۲: ((لا))ی نفی جنس
درس دوم	
۱۷۹	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۸۳	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۸۵	بسته ۱: ادات استثناء
۱۸۸	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۹۱	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۹۴	بسته ۲: نکات ترجمه
درس پنجم	
۱۹۶	بسته ۱: منادا

شب امتحان



نوبت دوم



نوبت اول

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
نمره ۲	نمره ۹/۵	نمره ۴/۵	نمره ۱/۵	نمره ۲/۵

ترجمه فعل



قسمت

کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. نَصَرَ (یاری کرد) ← هُمْ نَصَرُوا أَمَّهُمْ فِي الْأُمُورِ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. قَرَّرَ الْمَزَارِعُ التَّخْلُصَ مِنْهَا. (دی ۱۴۰۰)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. فَأَنْزَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۹)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)
۶. وَلَكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عَرَفَهَا. (خرداد ۹۹)
۷. «... مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ» (خرداد ۹۹)
۸. أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ أَلْفَ دِينَارٍ. (دی ۹۸)
۹. لَاحِظْ أَنَّ مَجْمُوعَةً مِنْ فِرَّانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْحَضْرَاوَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۰. فَأَخَذُوهَا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. اِغْتَذَرَ (پوزش خواست) ← اِغْتَذَرْنَا. (دی خارج ۹۹)
۱۲. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۱۳. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)

إنتخب الصحيح:

۱۴. عَلَى شِرَاءِ الدَّيْنَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرَكَاتِ الْبِنَاءِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- (۱) أَقْبَلْتُ ○ (۲) أَقْبَلُوا ○ (۳) أَقْبَلِ ○ (شهریور ۱۴۰۲)
۱۵. الْمُتَمَرِّجُونَ فَرِيقُهُمُ الْفَائِزُ فَرِحِينَ. (شهریور ۱۴۰۲)
- (۱) شَجَّعَ ○ (۲) شَجَّعْتُ ○ (۳) شَجَّعُوا ○ (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۱۶. أَخَذَ الرَّجُلُ يَدَ بَنِيهِ وَ قَبَّلَهَا وَ هَا عِنْدَهُ. (شهریور ۱۴۰۲)
- (۱) جَلَسَ ○ (۲) أَجْلَسَ ○ (۳) أَجْلَسْتُ ○ (۴) جَالَسَ ○ (شهریور ۱۴۰۱)
۱۷. الرُّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (شهریور ۱۴۰۱)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَرَنَ ○ (۳) حَصَرُوا ○ (خرداد ۱۴۰۱)
۱۸. قَدْ الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (خرداد ۱۴۰۱)
- (۱) ذَكَرْتُ ○ (۲) ذَكَرَ ○ (۳) ذَكَرَنَ ○ (شهریور ۱۴۰۰)
۱۹. جَمِيعُ الطُّلَابِ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ إِلَّا جَوَادًا. (شهریور ۱۴۰۰)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَرْتُ ○ (۳) حَصَرُوا ○

ماضی ساده

۲۵ تکرار

• فعلی است که برانجام‌دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

✎ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناختِ آسان آن به‌تر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أَنْتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتَ	تَ	أَنْتَ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُما	أَنْتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُمْ	أَنْتُمْ (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أَنْتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسَتَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُمْ (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

✎ برای ضمیر «هُوَ» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ» حرف «ث» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

۱۸. گزینه «۱»: «ذَكَرْتُ» (المؤمنات) جمع مؤنث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنث می‌آید. ← ترجمه عبارت: مؤمنان پروردگارشان را یاد کرده‌اند.

۱۹. گزینه «۱»: «حَضَرَ» (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جَمیع» مذکر است؛ بنابراین مذکر نیز می‌آید). ← ترجمه عبارت: همه دانش‌آموزان به‌جز جواد در سالن امتحانات حاضر شدند.

۲۰. گزینه «۱»: «رَجَعُوا» (با توجه به «اللاعیون» که جمع مذکر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید). ← ترجمه عبارت: بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه بازگشتند.

۲۱. گزینه «۲»: «حَضَلُوا» (العلماء) جمع مکسر و مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید). ← ترجمه عبارت: دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی دست یافتند.

۲۲. گزینه «۱»: «وَقَفُوا» (المهندسون) جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید). ← ترجمه عبارت: مهندسان در کارخانه با لبخند ایستادند.

۲۳. گزینه «۲»: «تَخَلَّصْتُ» (إني) بر متکلم وحده دلالت دارد؛ بنابراین فعل پس از آن در همین صیغه می‌آید). ← ترجمه عبارت: به درستی که من با کشتن بسیاری از آن جغدها رها شدم.

۲۴. گزینه «۳»: «نَجَحْتُ» (فعل غایب اول جمله مفرد می‌آید و «الطالِبَات» مؤنث است؛ بنابراین فعل مفرد مؤنث می‌آید). ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.

۲۵. گزینه «۲»: «تَحَنُّنٌ» با توجه به «تَحَنُّنٌ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. ← ترجمه عبارت: به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.

۲۰. اللّٰعِبُونَ الْإِيرَانِيَّوْنَ مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (خرداد ۱۴۰۰)

○ ۱ رَجَعُوا ○ ۲ رَجَعَ ○ ۳ رَجَعْتُمْ

۲۱. الْعُلَمَاءُ عَلَى جَوَائِزِ نُوبِلٍ فِي مَجَالَاتِ الْكِيمِيَاءِ. (دی ۹۹)

○ ۱ حَصَلْتُ ○ ۲ حَصَلُوا ○ ۳ حَصَلَا

۲۲. الْمُهَنْدِسُونَ فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِمِينَ. (شهریور ۹۸)

○ ۱ وَقَفُوا ○ ۲ وَقَفْنَ ○ ۳ وَقَفْنَا

۲۳. إِنِّي مِنَ الثُّبُوتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا. (دی ۹۷)

○ ۱ تَخَلَّصْتُ ○ ۲ تَخَلَّصْتُ ○ ۳ تَخَلَّصْتِ

۲۴. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

○ ۱ نَجَحَ ○ ۲ نَجَحْنَ ○ ۳ نَجَحْتَ

۲۵. إِنَّا نَحْنُ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. (دی خارج ۹۹)

○ ۱ نَزَّلْتُ ○ ۲ نَزَّلْنَا ○ ۳ نَزَّلُوا

پاسخ سؤالات

۱. یاری کردند (نَصَرُوا) فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
۲. تصمیم گرفت (قَرَّرَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۳. نشست (جَلَسْتُ) فعل ماضی صیغه مفرد مؤنث غایب است.
۴. ناراحت شد (انزعج) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۵. من کمک کردم (سَاعَدْتُ) فعل ماضی صیغه متکلم وحده است.
۶. شناخت (عَرَفَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۷. آفرید (خَلَقَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۸. دستور داد (أَمَرَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۹. دید (لَاخَظَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۱۰. گرفتند (أَخَذُوا) فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
۱۱. پوزش خواستیم (اعْتَذَرْنَا) فعل ماضی صیغه متکلم مع الغیر است.
۱۲. نامه‌نگاری کردند (كَاتَبُوا) فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
۱۳. بُرید (قَطَعَ) فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
۱۴. گزینه «۳»: (با توجه به فاعل «رُؤُساء» که جمع مکسر و مذکر است فعل به‌صورت مذکر می‌آید [رد گزینه (۱)] و چون فعل غایب در ابتدای جمله آمده به‌صورت مفرد می‌آید) [رد گزینه (۲)]
۱۵. گزینه «۱»: (با توجه به فاعل «الْمُتَفَرِّجُونَ» که بر جمع مذکر دلالت دارد فعل نیز جمع مذکر می‌آید اما چون در ابتدای جمله آمده به‌صورت مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
۱۶. گزینه «۲»: أَجْلَسَ (الرَّجُلُ) مفرد مذکر است و فعل نیز در همین صیغه، مناسب جای خالی است). ← ترجمه عبارت: مرد دست دخترش را گرفت و او را بوسید و او را نزد خود نشانید (نشانند).
(دقت کنید دو فعل «جَلَسَ: نشست» و «جَلَسَ: هم‌نشینی کرد») از نظر معنایی مناسب نیستند.)

۱۷. گزینه «۳»: «حَضَرُوا» (الزملاء) جمع مکسر و مذکر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکر می‌آید). ← ترجمه عبارت: هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.

ماضی منفی

- فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

◀ رَجَعَ (بازگشت) منفی ما رَجَعَ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

- فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن به‌صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

- ◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لِمَاذَا» به معنای «چرا، برای چه» کلمه پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟	چرا می‌گویند آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
«لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَرِي»	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ ماضی منفی
لَمْ مَا عَمِلْتُمْ بِوَأَجَابَتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← ما ذَكَرْتُ الْأُسْتَاذَ.

(مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)



۲. تَظَاهَرَ (وانمود کرد) ← ما تَظَاهَرْتُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← ما تَكَلَّمْنَا بِالْعَرَبِيَّةِ فِي الصَّفِّ.

(دی داخل و خارج ۱۴۰۲)

۴. اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← لَمْ يَسْتَرْجِعْ حَامِدُ الْكُتُبِ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعْ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۶. هُوَ لَمْ يَرْجِعْ إِلَى مَصْنَعِهِ.

(اردیبهشت ۱۴۰۲)

۷. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدُّرُسَ.

(دی ۱۴۰۱)

۸. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← الْوَالِدَانِ لَمْ يُشَجِّعَا الطِّفْلَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۱۰. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

(دی ۱۴۰۰)

۱۲. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ نُرْسِلْهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۴. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← مَا أَرْسَلَ.

(دی ۹۹)

۱۶. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← هِيَ مَا اسْتَعْفَرَتْ.

(شهریور ۹۹ - دی ۹۹ - دی خارج ۹۷)

۱۷. الْوَالِدُ لَمْ يَقْبَلْ بِنْتَهُ.

(شهریور ۹۹ - دی ۹۹ - دی خارج ۹۷)

۱۸. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا.

(خرداد ۹۹)

۱۹. لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَ الشَّيْمَاءِ.

(خرداد ۹۹)

۲۰. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ مَا اجْتَهَدَتْ.

(خرداد ۹۹)

۲۱. هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزْمَهُ.

(دی ۹۸ - دی ۹۷)

۲۲. أَجْلَسَ (نشاند) ← هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.

(دی ۹۸)

۲۳. مَاشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.

(دی ۹۷)

○ (۱) مشاهده می‌کردم

○ (۲) مشاهده نکردم

○ (۳) مشاهده نمی‌کنم

۲۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۲۵. عَلَّمَ (یاد داد) ← مَا عَلَّمْتَنِي.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۶. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمَا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۸. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُشَجِّعْنِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۹. جَالَسَ (همنشینی کرد) ← لَمْ يُجَالِسِ الْإِنْسَانَ الشَّيْءَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۳۰. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَمْ يَتَذَكَّرْ إِسْمَهُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۳۱. لَمْ يُصَدِّقِ الْمُسْلِمُونَ قَوْلَ الشَّيْمَاءِ.

(دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

۳۲. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَمْ يَسْتَغْفِرْ.

(دی خارج ۹۹)

۳۳. إِنَّهَا لَمْ شَيْئًا.

○ (۱) تَصْنَعُ ○ (۲) تَصْنَعُ ○ (۳) يَصْنَعُ

۱. یاد نکردی (ما + ذَكَرْتُ ← مَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))

۲. وانمود نکردم (ما + تَظَاهَرْتُ ← مَا تَظَاهَرْتُ (ماضی منفی))

۳. سخن نگفت (ما + تَكَلَّمْتُ ← مَا تَكَلَّمْتُ (ماضی منفی))

۴. پس نگرفت (لَمْ + يَسْتَرْجِعْ ← لَمْ يَسْتَرْجِعْ (ماضی منفی))

۵. خودداری نکرد (لَمْ + يَمْتَنِعْ ← لَمْ يَمْتَنِعْ (ماضی منفی))

۶. برنگشت (لَمْ + يَرْجِعْ ← لَمْ يَرْجِعْ (ماضی منفی))

۷. فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمْ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))

۸. تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعَانِ ← لَمْ يُشَجِّعَا (ماضی منفی))

۹. نفرستادند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی))

۱۰. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← مَا ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))

۱۱. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← مَا تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))

۱۲. خودداری نکردند (لَمْ + يَمْتَنِعُونَ ← لَمْ يَمْتَنِعُوا (ماضی منفی))

۱۳. نفرستادیم (لَمْ + نُرْسِلُ ← لَمْ نُرْسِلْ (ماضی منفی))

۱۴. تلاش نکرد (لَمْ + يَجْتَهِدْ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))

۱۵. نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← مَا أَرْسَلَ (ماضی منفی))

۱۶. آمرزش نخواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← مَا اسْتَعْفَرْتُ (ماضی منفی))

۱۷. نبوسید (لَمْ + يَقْبَلْ ← لَمْ يَقْبَلْ (ماضی منفی))

۱۸. ندید، مشاهده نکرد (لَمْ + يُشَاهِدْ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی))

۱۹. باور نکردند (لَمْ + يُصَدِّقُونَ ← لَمْ يُصَدِّقُوا (ماضی منفی))

۲۰. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← مَا اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))

۲۱. ضعیف نکرد (لَمْ + تُضْعِفُ ← لَمْ تُضْعِفْ (ماضی منفی))

۲۲. نشانند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی))

۲۳. گزینۀ «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← مَا شَاهَدْتُ (ماضی منفی))

۲۴. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← مَا تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))

۲۵. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتَنِي ← مَا عَلَّمْتَنِي (ماضی منفی))

۲۶. سخن نگفتند (لَمْ + يَتَكَلَّمَانِ ← لَمْ يَتَكَلَّمَا (ماضی منفی))

۲۷. کمک نکردند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضی منفی))

۲۸. تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعْنَ ← لَمْ يُشَجِّعْنِ (ماضی منفی))

۲۹. همنشینی نکرد (لَمْ + يُجَالِسُ ← لَمْ يُجَالِسْ (ماضی منفی))

۳۰. به یاد نیاورد (لَمْ + يَتَذَكَّرْ ← لَمْ يَتَذَكَّرْ (ماضی منفی))

۳۱. باور نکردند (با توجه به «المُسْلِمُونَ» جمع ترجمه می‌کنیم.)

(لَمْ + يُصَدِّقُ ← لَمْ يُصَدِّقْ (ماضی منفی))

۳۲. آمرزش نخواست (لَمْ + يَسْتَغْفِرْ ← لَمْ يَسْتَغْفِرْ (ماضی منفی))

۳۳. گزینۀ «۲» (ضمیر متصل «ها» در کلمۀ «إِنَّهَا» بر مفرد مؤنث

غایب دلالت دارد بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. [رد گزینۀ

(۳)] در ضمن «لَمْ» حرکت حرف آخر فعل مضارع را از ضمه ُ به

ساکن ْ تبدیل می‌کند. [رد گزینۀ (۱)]

۸. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

۹. خودداری کرده است (قَدْ + اِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)

۱۰. عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)

۱۱. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری

• به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

❏ می‌نوشتیم، می‌آمدند، می‌خوردید و ...

• فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل

«كَانَ» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.

❏ كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

۲۵
تکرار

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

• فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.

❏ كَانَ يَعْلَمُ ← می‌دانست

• به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها

در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	فعل مضارع	شکل‌های «كَانَ»
می‌رفت	يَذْهَبُ	۱. كَانَ +
	تَذْهَبُ	۲. كَانَتْ +
می‌رفتند	يَذْهَبَانِ	۳. كَانَا +
	تَذْهَبَانِ	۴. كَانَتَا +
	يَذْهَبُونَ	۵. كَانُوا +
	يَذْهَبْنَ	۶. كُنَّ +
می‌رفتگی	تَذْهَبُ	۷. كُنْتُ +
	تَذْهَبِينَ	۸. كُنْتِ +
می‌رفتید	تَذْهَبَانِ	۹. كُنْتُمَا +
	تَذْهَبُونَ	۱۰. كُنْتُمْ +
	تَذْهَبْنَ	۱۱. كُنْتُنَّ +
	أَذْهَبُ	۱۲. كُنْتُ +
می‌رفتیم	نَذْهَبُ	۱۳. كُنَّا +

❏ فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری

ترجمه می‌شود.

❏ لَيْتَ مُحَمَّدًا نَصَرَ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

(البته در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه

می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته).

❏ فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع»

نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

❏ شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

❏ شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ماضی نقلی

تکرار

• به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

• برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

❏ قَدْ + ذَهَبَ ← ماضی نقلی قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

❏ قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

❏ فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

(پس یادتون باشه ترکیب «آم + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

❏ لَمْ يَعْلَمُوا ← ندانستند (ماضی منفی)

❏ لَمْ يَعْلَمُوا ← ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. عَفَرَ (آمرزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۵ - دی ۱۴۰۵)

۲. فَقَدَ بَنِي مُؤَسَّسَةً. (دی ۹۹)

۳. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)

۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)

۵. عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا. (دی ۹۸)

۶. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)

۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)

۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)

۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ اِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. آمرزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)

۲. ساخته است (قَدْ + بَنَى (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)

۳. آمرزش خواسته‌اید (قَدْ + اسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)

۴. یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)

۵. رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)

۶. سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)

۷. به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)

پاسخ سؤالات

۱. نیکی می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُحْسِنُ» ← ماضی استمراری)
۲. درس می‌دادند (كانوا + فعل مضارع «يُدْرِسُونَ» ← ماضی استمراری)
۳. کار می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يَسْتَغْلَانِ» ← ماضی استمراری)
۴. به یاد نمی‌آورد (كَانَتْ + لا + فعل مضارع «تَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)
۵. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۶. می‌بردند (كانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)
۷. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۸. پرورش می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُرَبِّي» ← ماضی استمراری)
۹. رفتار می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۰. هجوم می‌آوردند (كَانَتْ + فعل مضارع «تَهْجُمُ» ← ماضی استمراری / می‌خوردند [كَانَتْ] + فعل مضارع «تَأْكُلُ» ← ماضی استمراری)
۱۱. ادامه می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُواصلُ» ← ماضی استمراری)
۱۲. احساس می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَشْعُرُ» ← ماضی استمراری)
۱۳. سخن می‌گفتند (كانوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۴. عمل می‌کردی (كُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۵. می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۶. یاد می‌دادند (كانوا + فعل مضارع «يُعَلِّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۷. به یاد می‌آورد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری)
۱۸. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۱۹. تلاش می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۲۰. می‌بردند (كانوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۲۱. گزینه «۲»: يُحْسِنُ (با توجه به فعل کمکی «كَانَ» فعل نیز مطابق با آن مفرد مذکر غایب می‌آید. [رد گزینه ۱] در ضمن با توجه به ترجمه عبارت فعل معلوم می‌آید نه مجهول. [رد گزینه ۳])
۲۲. گزینه «۲»: لَا تَعْلَمُونَ (با توجه به فعل کمکی «كُنْتُمْ» فعل نیز در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌آید). ← ترجمه آیه شریفه: پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
۲۳. گزینه «۳»: يَسْتَمِعُونَ («الطُّلاب» جمع مکسر و مذکر است و فعل نیز مطابق با آن جمع مذکر می‌آید). ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان به سخن استاد خود گوش فرا می‌دادند.
۲۴. گزینه «۱»: تَهْجُمُ («كَانَتْ» فعل کمکی مفرد مؤنث غایب است و فعل پس از آن مفرد مؤنث می‌آید). ← ترجمه عبارت: گروه بزرگی از موش‌ها بر سبزیجات هجوم می‌بردند.
۲۵. گزینه «۲»: دوری می‌کرد (لَيْتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)

ترجمه الأفعال التالية:

۱. أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← الْمُعَلِّمُ كَانَ يُحْسِنُ إِلَى التَّلَامِيذِ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
 ۲. دَرَسَ (درس داد) ← الْمُعَلِّمُونَ كَانُوا يُدْرِسُونَ فِي مَدِينَتِنَا بِجِدٍّ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
 ۳. اسْتَعْلَى (کار کرد) ← الطَّالِبَانِ كَانَا يَسْتَغْلَانِ فِي الْمَكْتَبَةِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
 ۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الْجَدَّةُ كَانَتْ لَا تَتَذَكَّرُ وَلَدَهَا. (شهریور ۱۴۰۱)
 ۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
 ۶. قَطَعَ (برید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الْأَشْجَارَ. (شهریور ۱۴۰۰ - دی خارج ۱۴۰۰)
 ۷. جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ.
 ۸. كَانَ يُرَبِّي أَنْوَاعَ الطَّيُورِ.
 ۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَدِّدًا.
 ۱۰. الْبُومَاتُ كَانَتْ تَهْجُمُ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ تَأْكُلُهَا.
 ۱۱. وَ هُوَ كَانَ يُواصلُ عَمَلَهُ دَوَّابًا.
 ۱۲. أَلْفَرِدٌ نَوْبِلَ كَانَ يَشْعُرُ بِخَبِيثَةِ الْأَمَلِ.
 ۱۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ.
 ۱۴. عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ.
 ۱۵. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.
 ۱۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← كَانُوا يُعَلِّمُونَ الْعِلْمَ.
 ۱۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← هُوَ كَانَ يَتَذَكَّرُ.
 ۱۸. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ.
 ۱۹. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ.
 ۲۰. قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ.
- اِنتَخِبَ الصَّحِيحُ:
۲۱. وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ هـ.
 - (۱) تَحْسِنُ ○ (۲) يُحْسِنُ ○ (۳) يُحْسَنُ
 ۲۲. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَحْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ» (خرداد ۱۴۰۱ - دی خارج ۹۹)
 - (۱) لَا يَعْلَمُونَ ○ (۲) لَا تَعْلَمُونَ ○ (۳) لَا تَعْلَمَنَ
 ۲۳. كَانَ الطُّلَابُ إِلَى كَلَامِ أَسَاتِذِهِمْ. (دی ۹۹)
 - (۱) تَسْتَمِعُ ○ (۲) يَسْتَمِعُ ○ (۳) يَسْتَمِعُونَ
 ۲۴. كَانَتْ مَجْمُوعَةُ كَبِيرَةٍ مِنَ الْفِرَانِ عَلَى الْخَصْرَاوَاتِ. (خرداد ۹۸)
 - (۱) تَهْجُمُ ○ (۲) يَهْجُمُ ○ (۳) يَهْجُمَنَ
 ۲۵. لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ.
 - (۱) دوری کرده است
 - (۲) دوری می‌کرد
 - (۳) دوری خواهد کرد

ایستگاه سؤال



ترجمه الأفعال التالية:

۱. كَانَ الْحَارِسَانِ قَدْ اِمْتَنَعَا عَنِ النَّوْمِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
 ۲. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
 ۳. لَجِبَ (بازی کرد) ← كَانُوا قَدْ لَجِبُوا فِي الْحَدِيقَةِ. (دی ۱۴۰۱)
 ۴. كَتَمَ (پنهان کرد) ← إِنَّهُ مَا كَانَ قَدْ كَتَمَ مَا يَعْلَمُ. (شهریور ۱۴۰۱)
 ۵. شَجَعَ (تشویق کرد) ← كَانُوا قَدْ شَجَعُوا اللَّاعِبِينَ. (خرداد ۱۴۰۱)
 ۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← إِنَّ الْحَارِسَ كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹)
 ۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← كَانَ قَدْ أَرْسَلَ الطَّعَامَ إِلَى. (خرداد ۱۴۰۰)
 ۸. أَلْفَرِدَ نَوِيلَ كَانَ قَدْ شَعَرَ بِخَيِّبَةِ الْأَمَلِ. (دی ۹۹)
 ۹. أَلْفَرِدَ نَوِيلَ كَانَ قَدْ بَنَى مُحْتَبَرًا صَغِيرًا. (شهریور ۹۹)
 ۱۰. إِنَّهُ كَانَ قَدْ عَلَّمَ تَلَامِيذَهُ. (شهریور ۹۸)
 ۱۱. إِنَّ أَنْوَشِرَوَانَ كَانَ قَدْ شَاهَدَ شَجَرَةً. (خرداد ۹۸)
 ۱۲. رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
 ۱۳. إِنَّ أَلْفَرِدَ كَانَ قَدْ اِهْتَمَّ بِمَادَّةِ الدِّينَامِيْتِ وَ كَانَ يَعْمَلُ عَلَى تَطْوِيرِهَا. (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۱۴. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۱۵. صَنَعَ (ساخت) ← كَانَ قَدْ صَنَعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۱۶. يَحْكِي أَنَّ مُزَارِعًا كَانَتْ لَهُ مَرْزَعَةٌ كَبِيرَةٌ. (دی خارج ۹۹)
 ۱۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← كَانَتْ قَدْ ذَكَرَتْ. (دی خارج ۹۹)
 ۱۸. تَكَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)
- اِنتخب الصحيح:
۱۹. كَانَ الْحَارِسُ قَدْ عَنِ النَّوْمِ. (دی خارج ۹۹)
- (۱) اِمْتَنَعَ ○ (۲) اِمْتَنَعَتْ ○ (۳) تَمَتَّنَعَ

پاسخ سؤالات



۱. خودداری کرده بودند (كَانَ ... قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَا) ← ماضی بعید)
۲. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۳. بازی کرده بودند (كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی (لَجِبُوا) ← ماضی بعید)
۴. پنهان نکرده بود (مَا كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَمَ) ← ماضی بعید منفی)
۵. تشویق کرده بودند (كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی (شَجَعُوا) ← ماضی بعید)
۶. خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۷. فرستاده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی بعید)
۸. احساس کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (شَعَرَ) ← ماضی بعید)
۹. ساخته بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (بَنَى) ← ماضی بعید)
۱۰. یاد داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (عَلَّمَ) ← ماضی بعید)
۱۱. مشاهده کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (شَاهَدَ) ← ماضی بعید)
۱۲. ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)

ماضی بعید



۱۹

تکرار

- به فعلی گفته می شود که در گذشته دور انجام شده است.
- نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه های فعل ماضی ساخته می شود.
- كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ
- آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می آید.

كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می شود.
- كَانَ قَدْ كَتَبَ ترجمه نوشته بود.
- كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه نوشته بودیم.
- به شکل های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول زیر دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

- فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دوتاش درسته.)
- لَيْتَ التَّلْمِيذِ ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسْلِ ← کاش دانش آموزان تنبلی دوری کرده بود. (دوری می کرد.)

لَيْتَ + ماضی ← ماضی بعید
ماضی استمراری

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می شود.
- شَاهَدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدُّرُوسِ. ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی
- در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد)

ماضی بعید

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. دَرَسَ (درس داد) ← أستاذنا يُدرِّسُ في العاصمة. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الأصدقاء يتذكرون المعلم. (شهریور ۱۴۰۱)
۳. أَسْتَعْفِزُ الله. (دی ۱۴۰۰)
۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُم يُرسلونَ الخبر. (شهریور ۱۴۰۰)
۵. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقونَ. (دی ۹۹)
۶. «... إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (دی ۹۸ - دی ۹۷)
۷. شاهدَ (مشاهده کرد) ← أُشاهدُ. (شهریور ۹۸)
۸. «... الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» (دی خارج ۹۹)

انتخب الفعل المناسب للفرغ:

۹. السَّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۱۰. كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. (دی ۱۴۰۰)
۱۱. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۲. الطَّالِبَاتُ فِي أَدَاءِ واجِبَاتِهِنَّ. (شهریور ۹۹)
۱۳. «إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا» (خرداد ۹۹)
۱۴. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. (دی ۹۸)
۱۵. إِنَّ الْمُؤْمِنَاتِ اللهُ كَثِيرًا. (خرداد ۹۸)
۱۶. الطَّالِبَاتُ فِي الإِمْتِحَانِ. (دی ۹۷)
۱۷. الْفَلَاحُونَ الْمَحَاصِلِ فِي الْمَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۸. الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَاءِ السَّمَكِ الْمَدْفُونِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۹. الْعَمَالُ فِي الْمَنَاجِمِ. (دی خارج ۹۷)

پاسخ سؤالات

۱. درس می دهد («يُدَرِّسُ» فعل مضارع و از باب «تَفْعِيل» است.) ← مضارع اخباری
۲. به یاد می آورد («يَتَذَكَّرُونَ» فعل مضارع و از باب «تَفْعُل» است.) ← مضارع اخباری

۱۳. اهمیت داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اَهْتَمَّ) ← ماضی بعید)
۱۴. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۱۵. ساخته بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (صَنَعَ) ← ماضی بعید)
۱۶. داشت (كَانَتْ + لَ ← داشت) (یادتان باشد «كَانَ» در شکل های مختلف به همراه «لِ» معنای «داشتن» می دهد.)
۱۷. یاد کرده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَتْ) ← ماضی بعید)
۱۸. نامه نگاری کرده بودند، نامه نگاری می کردند (لَيْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)
۱۹. گزینه «۱»: اِمْتَنَعَ (با توجه به فعل كمکی «كَانَ» که مفرد مذکر است فعل پس از آن نیز مفرد مذکر می آید.) ← ترجمه عبارت: نگیهان از خواب خودداری کرده بود.

مضارع ساده
۱۹
تکرار

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می کند.
- يَنْصُرُ (یاری می کند)، تَرْجِعَانِ (باز می گردند، باز می گردید.)، يُدَافِعُونَ (دفاع می کنند) و ...
- در جدول زیر به شناسه های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسْ	ندارد	أَنَا (من)	می نشینم
تَجْلِسْ		أَنْتَ (تو)	می نشینی
تَجْلِسِينَ	يَنَّ	أَنْتِ (تو)	
يَجْلِسْ	ندارد	هُوَ (او)	می نشیند
تَجْلِسْ		هِيَ (او)	می نشینید
نَجْلِسْ	ندارد	نَحْنُ (ما)	
تَجْلِسَانِ	إِنِ	أَنْتُمَا (شما)	
تَجْلِسُونَ	وَنَ	أَنْتُمْ (شما)	می نشینید
تَجْلِسْنَ	نَ	أَنْتُنَّ (شما)	
يَجْلِسَانِ	إِنِ	هُمَا (آن دو)	می نشینند
تَجْلِسَانِ		هُم (ایشان)	
يَجْلِسُونَ		هُنَّ (ایشان)	

- همان طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود؛ «می + بن فعل + شناسه» ← مضارع اخباری

أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می شود.

و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلُونَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: کارگران در معادن کار می‌کنند.

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

لِمَ لا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ترجمه ← چرا درست را نمی‌نویسی؟

لا أَتَذَكَّرُكَ يا زميلي. ترجمه ← تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

تکرار ۲۱

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← العَلَمَاءُ لا يُحْسِنُونَ بِأَنْفُسِهِمْ.

(مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۲. تَظَاهَرَ (وانمود کرد) ← لا يَتَظَاهَرُ الصَّادِقُ بِالْكَذِبِ.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ.

(دی داخل و خارج ۱۴۰۲)

۴. هُمَ لا يَسْتَعْفِرُونَ.

(شهریور ۹۹)

۵. لا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

(شهریور ۹۹)

۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا يَمْتَنِعُونَ.

(خرداد ۹۹)

۷. قَطَعَ (برید) ← لا نَقْطَعُ.

(شهریور ۹۸)

۸. أَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟

(دی ۹۸)

۹. لا تُثْمِرْ إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ.

(خرداد ۹۸)

۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا يَتَكَلَّمُ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۱۱. يا بُنَيَّ لا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۱۲. سَجَّحَ (تشویق کرد) ← لا تُسَجِّعِينَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۳. عَلَّمَ (یاد داد) ← لا يُعَلِّمُونَ.

(دی خارج ۹۹)

۱۴. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا يَعْبُدُ.

(خرداد خارج ۹۹)

۱۵. عَفَرَ (آمرزید) ← لا يُعْفِرُونَ.

(دی خارج ۹۸)

۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا أَتَذَكَّرُكَ يا زميلي.

(خرداد خارج ۹۸)

اِنتَخب الفعل المناسب للفراغ:

۱۷. مَادَّةُ الدِّينَامِيْتِ إِلَّا بِإِزَاةِ الْإِنْسَانِ.

(اردیبهشت ۱۴۰۲)

○ ۱) لَمْ اَنْفَجَرَ ○ ۲) لا يَنْفَجِرُ

○ ۳) لا تَنْفَجِرُ ○ ۴) لَنْ اَنْفَجَرَ

(دی ۱۴۰۰)

۱۸. اللهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ.

○ ۱) لا يَرْحَمُ ○ ۲) لا يَرْحَمُ ○ ۳) لا تَرْحَمُ

۳. آمَرِش می‌خواهم («أَسْتَغْفِرُ» فعل مضارع و از باب «إِسْتِفْعَال»

است.) ← مضارع اخباری

۴. می‌فرستند (مضارع اخباری)

۵. می‌آفرینند (مضارع اخباری)

۶. دوست می‌دارد («يُحِبُّ» فعل مضارع و صیغه مفرد مذکر غایب

است.) ← مضارع اخباری

۷. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)

۸. می‌شتابند («يُسَارِعُونَ» فعل مضارع و از باب «مُفَاعَلَة» است.)

← مضارع اخباری

۹. گزینه «۲»: «يُخَضِّرُ» (با توجه به «السَّيَّاح» که جمع مکسر است

و نیز در اول جمله، فعل به صورت مفرد می‌آید.) ← ترجمه عبارت:

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.

۱۰. گزینه «۱»: «يُزَخِّصُ» («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد؛ بنابراین

فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت:

هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

۱۱. گزینه «۱»: «يُسَجِّعُونَ» («الْمُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل

نیز جمع مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان

را با شادی تشویق می‌کنند.)

۱۲. گزینه «۳»: «يَجْتَهِدْنَ» («الطَّالِبَات» جمع مؤنث است؛ و نیز با

توجه به ضمیر متصل «هِنَّ» در کلمه «وَأَجَابَتْهُنَّ» فعل به صورت

جمع مؤنث غایب می‌آید.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در انجام

تکالیفشان تلاش می‌کنند.

۱۳. گزینه «۱»: «يُقَاتِلُونَ» («الَّذِينَ» جمع مذکر است و فعل نیز در

همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: همانا خداوند دوست

می‌دارد کسانی را که در راهش صف کشیده می‌جنگند.

۱۴. گزینه «۳»: «يُسَجِّحُ» («الْمُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ و فعل در

ابتدای عبارت مفرد مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گردشگران تیم

خود را تشویق می‌کنند.

۱۵. گزینه «۳»: «يَذْكُرْنَ» (با توجه به «المؤمنات» که جمع مؤنث است

و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد؛ فعل «يَذْكُرْنَ» مناسب جای

خالی است.) ← ترجمه عبارت: مؤمنان خدا را بسیار یاد می‌کنند.

۱۶. گزینه «۳»: «يَنْجَحْنَ» (با توجه به «الطَّالِبَات» که جمع مؤنث

است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَنْجَحْنَ»

مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان

موفق می‌شوند.

۱۷. گزینه «۲»: «يَجْمَعُونَ» («الْفُلَّاحُونَ» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل

در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را

در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.

۱۸. گزینه «۳»: «يَذْهَبُونَ» («الصَّيَّادُونَ» بر جمع مذکر دلالت دارد؛ و

فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت:

شکارچیان آفریقایی به محل پنهان شدن ماهی دفن‌شده می‌روند.

۱۹. گزینه «۲»: «يَسْتَعْلُونَ» (با توجه به «الْعَمَال» که جمع مکسر است

۱۹. حَصَلَتَانِ فِي مَوْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْذُ.

(خرداد ۱۴۰۰)

○ ۱ لا يَجْتَمِعُ ○ ۲ لا تَجْتَمِعَانِ ○ ۳ لا تَجْتَمِعُ

۲۰. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

(شهریور ۹۹)

○ ۱ تَشْكُرُونَ ○ ۲ يَشْكُرُونَ ○ ۳ يَشْكُرُوا

۲۱. أَمْسِي كُتُبَكَ إِلَّا كِتَابَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

(دی ۹۸ - دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

○ ۱ ما طَالَعْتَ ○ ۲ يُطَالَعُ ○ ۳ لا تُطَالَعُ

پاسخ سؤالات

۱. نیکی نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يُحْسِنُونَ) ← مضارع منفی)
 ۲. وانمود نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَتَظَاهَرُ) ← مضارع منفی)
 ۳. عبادت نمی‌کنم (لا + فعل مضارع (أَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
 ۴. آمرزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
 ۵. نمی‌خورید (لا + فعل مضارع (تَأْكُلُونَ) ← مضارع منفی)
 ۶. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يُمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)
 ۷. نمی‌تیرم (لا + فعل مضارع (تَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
 ۸. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)
 ۹. میوه نمی‌دهد (لا + فعل مضارع (تُثْمِرُ) ← مضارع منفی)
 ۱۰. سخن نمی‌گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
 ۱۱. دوست نداری (لا + فعل مضارع (تُحِبُّ) ← مضارع منفی)
 ۱۲. تشویق نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُشَجِّعِينَ) ← مضارع منفی)
 ۱۳. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
 ۱۴. عبادت نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
 ۱۵. نمی‌آمرزند (لا + فعل مضارع (يُعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
 ۱۶. به یاد نمی‌آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
- گزینه «۳»: لا تَنْفَعُ «ماده» مفرد مؤنث است و فعل برای آن در صیغه مفرد مؤنث صحیح است. ← ترجمه عبارت: ماده دینامیت جز با اراده انسان منفجر نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه‌های ۱) و ۴): از نظر ساختار نادرست‌اند. (رجوع شود به کادر ۲ و ۹) (یادتون باشه که «لَمْ» و «أَلَمْ» بر سر فعل مضارع میان نه ماضی!!)
۱۷. گزینه «۲»: «لا يَنْفَعُ» در صیغه مفرد مذکر غایب است و با «ماده» که مؤنث آمده است مطابقت ندارد.
۱۸. گزینه «۲»: لا يَزَحُمُ «اللَّهُ» مفرد مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینه ۱) حرکت آخر فعل فتحه گرفته و نادرست است. (یادتون باشه حرف «لا»ی نفی آخر فعل رو تغییر نمی‌ده). ← ترجمه عبارت: خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم نمی‌کند.
۱۹. گزینه «۳»: لا تَجْتَمِعُ «حَصَلَتَانِ» مثنای مؤنث است؛ بنابراین فعل مؤنث می‌آید. [رد گزینه ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه ۲]. ترجمه عبارت: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ.

۲۰. گزینه «۲»: يَشْكُرُونَ «(لا»ی موجود در عبارت، «نفی» است؛ بنابراین آخر فعل تغییر نمی‌کند. [رد گزینه ۳] و نیز فعل مذکر می‌آید، زیرا مرجع آن کلمه «أَكْثَرَ النَّاسِ» می‌باشد. [رد گزینه ۱] ← ترجمه عبارت: همانا خداوند صاحب بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

۲۱. گزینه «۱»: (با توجه به قید «أَمْسِي: دیروز» که بر گذشته دلالت می‌کند؛ فعل ماضی «ما طَالَعْتَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: دیروز کتاب‌هایت را مطالعه نکردی به جز کتاب زبان عربی.

نهی

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

➡ نپرس، نگویند، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرشش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

لا + تَسْأَلُ نهی ➡ لا تَسْأَلْ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلَانِ نهی ➡ لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ نهی ➡ لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف نمیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ➡ نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

➡ لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ترجمه ➡ از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

➡ لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ترجمه ➡ در کتابخانه سخن نگویند.

فعل نهی

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. تَظَاهَرْ (وانمود کرد) ➡ لا تَظَاهَرُوا بِالْمَرْضَى عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۲. اسْتَرْجِعْ (پس گرفت) ➡ أَخِي الْعَزِيزُ! لَا تَسْتَرْجِعْ مَا أَعْطَانِي.

(خرداد ۱۴۰۲)

۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ➡ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ➡ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْمُطَالَعَةِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۵. كَتَمَ (پنهان کرد) ➡ صَدِيقِي الْعَزِيزُ! لَا تَكْتُمُ الْحَقِيقَةَ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۶. صَنَعَ (ساخت) ➡ يَا مُهَنْدِسُ! لَا تَصْنَعْ هَذَا الْبِنَاءَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ➡ لَا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ➡ لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً.

(خرداد ۱۴۰۱)

۹. مِنْ فَضْلِكُمْ، لَا تُجَادِلُوا.

(دی ۱۴۰۰)

۱۰. قَطَعَ (برید) ➡ أَيُّهَا الْفَلَّاحُ! لَا تَقْطَعْ شَجَرَةً.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ➡ لَا تُرْسِلْ هَذِهِ الرِّسَالَةَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ➡ إِلَهِي لَا تَعَامِلْ بِعَدْلِكَ.

(شهریور ۹۹ - دی ۹۸)

۱۳. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

(شهریور ۹۹)

۱۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ➡ أَنْتِ لَا تُسَاعِدِي.

(شهریور ۹۹)

۹ مستقبل

• به فعلی گفته می شود که بر زمان آینده دلالت می کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می شود.

س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می کنیم.

سَيُخْرِجُ ترجمه خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَرْجِعُ ترجمه باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سر فعل مضارع، منفی می شود.

لَنْ أَجْلِسَ

لن + فعل مضارع (با تغییر) ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواه...» استفاده می کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ ترجمه نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه نخواهید دانست

۳۲ تکرار

۱۵. اِمْتَنِعْ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا.

۱۶. جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← يا رِجَالُ لا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ.

۱۷. دَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْكُرْ.

۱۸. لا تَظْلِمَ كَمَا لا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ.

۱۹. قَطَعَ (برید) ← لا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ.

۲۰. يا بُنَيَّ، لا تَقُلْ ما لا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

۲۱. جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← لا تُجَالِسِ الْأَشْرَارَ.

۲۲. صَنَعَ (ساخت) ← لا تَصْنَعْ هذا الباب.

۲۳. دَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْكُرُوا.

۲۴. إلهي! لا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ.

۲۵. «وَلَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»

○ ۱) سست نشوید

○ ۲) سست نمی شوید

○ ۳) نباید سست شوید

ایستگاه سؤال

پاسخ سؤالات

ترجم الأفعال التالية:

۱. كَتَبَ (نوشت) ← لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

(مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۲. دَكَرَ (یاد کرد) ← سَأَذْكُرُ جَدِّي وَ جَدَّتِي.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۳. جَلَسَ (نشست) ← لَنْ نَجْلِسَ قَبْلَ أُسْتَاذِنَا.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۴. اِسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← لَنْ تَسْتَرْجِعَ الْمُؤْمِنَةُ عَهْدَهَا مَعَ رَبِّهَا.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. اِسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← زَمِيلِي سَيَسْتَرْجِعُ حَقِيَّتَهُ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۶. نَصَرَ (یاری کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ سَوْفَ يَنْصُرُونَ الْفُقَرَاءَ.

(دی داخل و خارج ۱۴۰۲)

۷. اِسْتَعْلَ (کار کرد) ← لَنْ يَشْتَغَلَ الْعَامِلُ فِي الْمَنْجَمِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← سَوْفَ نَمْتَنِعُ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۹. اِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَنْ يَسْتَغْفَرَ الْمُشْرِكُ مِنْ ذَنْبِهِ.

(دی ۱۴۰۱)

۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأُسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.

(دی ۱۴۰۱)

۱۱. كَتَمَ (پنهان کرد) ← النَّاسُ لَنْ يَكْتُمُوا أَسْرَارَ حَيَاتِهِمْ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۲. صَنَعَ (ساخت) ← إِنَّهُ لَنْ يَصْنَعَ شَيْئاً.

(خرداد ۱۴۰۱)

۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَذْكُرُ الدَّرْسَ.

(دی ۱۴۰۰)

۱۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۹۹)

۱۵. قَاتَلَ (جنگید) ← لَنْ تُقَاتِلُوا الْأَصْدِقَاءَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱. وانمود نکنید (لا + تَتَظَاهَرُونَ ← لا تَتَظَاهَرُوا (نهی))

۲. پس نگیر (لا + تَسْتَرْجِعْ ← لا تَسْتَرْجِعْ (نهی))

۳. عبادت نکنید (لا + تَعْبُدُونَ ← لا تَعْبُدُوا (نهی))

۴. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))

۵. پنهان نکن (لا + تَكْتُمْ ← لا تَكْتُمْ (نهی))

۶. ن ساز (لا + تَصْنَعْ ← لا تَصْنَعْ (نهی))

۷. سخن نگویند (لا + تَتَكَلَّمُونَ ← لا تَتَكَلَّمُوا (نهی))

۸. نفرست (لا + تُرْسِلْ ← لا تُرْسِلْ (نهی))

۹. بحث نکنید (لا + تُجَادِلُونَ ← لا تُجَادِلُوا (نهی))

۱۰. نبر (لا + تَقْطَعْ ← لا تَقْطَعْ (نهی))

۱۱. نفرست (لا + تُرْسِلْ ← لا تُرْسِلْ (نهی))

۱۲. رفتار نکن (لا + تُعَامِلْ ← لا تُعَامِلْ (نهی))

۱۳. نخورانید (لا + تَطْعَمُونَ ← لا تَطْعَمُوا (نهی))

۱۴. کمک نکن (لا + تُسَاعِدِينَ ← لا تُسَاعِدِي (نهی))

۱۵. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))

۱۶. هم نشینی نکنید (لا + تُجَالِسُونَ ← لا تُجَالِسُوا (نهی))

۱۷. یاد نکن (لا + تَذْكُرْ ← لا تَذْكُرْ (نهی))

۱۸. ستم نکن (لا + تَظْلِمْ ← لا تَظْلِمْ (نهی))

۱۹. نبرید (لا + تَقْطَعُونَ ← لا تَقْطَعُوا (نهی))

۲۰. نگو (لا + تَقُولْ ← لا تَقُلْ (نهی))

۲۱. هم نشینی نکن (لا + تُجَالِسْ ← لا تُجَالِسْ (نهی))

۲۲. ن ساز (لا + تَصْنَعْ ← لا تَصْنَعْ (نهی))

۲۳. یاد نکنید (لا + تَذْكُرُونَ ← لا تَذْكُرُوا (نهی))

۲۴. رفتار نکن (لا + تُعَامِلْ ← لا تُعَامِلْ (نهی))

۲۵. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لا + تَهْنُونَ ← لا تَهْنُوا (نهی))

۱۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۱۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۹. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۲۰. شاهدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۱. جالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۲۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِّي لَنْ يَتَذَكَّرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أُسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلَ رِسَالَةً. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۷. اِغْتَذَرَ (پوزش خواست) ← سَيَعْتَذِرُ. (دی خارج ۹۹)
۲۸. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← لَنْ يُقَلِّدَ. (دی خارج ۹۹)
۲۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ تَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۳۰. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۳۱. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ. (شهریور خارج ۹۸)
۳۲. لَنْ يَرْجِعَ صَدِيقِي إِلَى بَلَدِهِ. (دی خارج ۹۷)
۱۳. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (تَذَكَّرَ) ← مستقبل (مستقبل))
۱۴. خودداری نخواهیم کرد (لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعَ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ (مستقبل منفی))
۱۵. نخواهید جنگید (لَنْ + فعل مضارع (تُقَاتِلُونَ) ← لَنْ تُقَاتِلُوا (مستقبل منفی))
۱۶. خودداری نخواهیم کرد (لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعَ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ (مستقبل منفی))
۱۷. کمک نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لَنْ يُسَاعِدُوا (مستقبل منفی))
۱۸. تلاش نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ يَجْتَهِدُوا (مستقبل منفی))
۱۹. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل (مستقبل))
۲۰. مشاهده خواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (يُشَاهِدُ) ← لَنْ يُشَاهِدَ (مستقبل منفی))
۲۱. هم‌نشینی نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (يُجَالِسُ) ← لَنْ يُجَالِسَ (مستقبل منفی))
۲۲. به یاد خواهد آورد (لَنْ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← لَنْ يَتَذَكَّرَ (مستقبل منفی))
۲۳. کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ (مستقبل منفی))
۲۴. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرْنَ) ← مستقبل (مستقبل))
۲۵. نخواهیم فرستاد (لَنْ + فعل مضارع (نُرْسِلَ) ← لَنْ نُرْسِلَ (مستقبل منفی))
۲۶. یاد نخواهد داد (لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← لَنْ يُعَلِّمَ (مستقبل منفی))
۲۷. پوزش خواهد خواست (س + فعل مضارع (يَعْتَذِرُ) ← مستقبل (مستقبل))
۲۸. تقلید نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (يُقَلِّدُ) ← لَنْ يُقَلِّدَ (مستقبل منفی))
۲۹. تلاش خواهد کرد، تلاش نخواهی کرد (لَنْ + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ (مستقبل منفی))
۳۰. عبادت خواهند کرد (س + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← مستقبل (مستقبل))
۳۱. نامه‌نگاری خواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (يَتَكَاتَبُ) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ (مستقبل منفی))
۳۲. باز نخواهد گشت (لَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← لَنْ يَرْجِعَ (مستقبل منفی))
۱. نخواهد نوشت (لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبَ (مستقبل منفی))
۲. یاد خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← مستقبل (مستقبل))
۳. نخواهیم نشست (لَنْ + فعل مضارع (نَجْلِسُ) ← لَنْ نَجْلِسَ (مستقبل منفی))
۴. پس نخواهد گرفت (لَنْ + فعل مضارع (تُسْتَرْجِعُ) ← لَنْ تُسْتَرْجِعَ (مستقبل منفی))
۵. پس خواهد گرفت (س + فعل مضارع (يُسْتَرْجِعُ) ← مستقبل (مستقبل))
۶. یاری خواهند کرد (سَوْفَ + فعل مضارع (يُنْصُرُونَ) ← مستقبل (مستقبل))
۷. کار نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع (يُسْتَغْلَ) ← لَنْ يُسْتَغْلَ (مستقبل منفی))
۸. خودداری خواهیم کرد (سَوْفَ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← مستقبل (مستقبل))
۹. آمرزش نخواهد خواست (لَنْ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُ) ← لَنْ يَسْتَغْفِرَ (مستقبل منفی))
۱۰. کمک خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل (مستقبل))
۱۱. پنهان خواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُمُونَ) ← لَنْ يَكْتُمُوا (مستقبل منفی))
۱۲. نخواهد ساخت (لَنْ + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← لَنْ يَصْنَعَ (مستقبل منفی))

پاسخ سوالات

❖ مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

به دانش آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی **بکوشد**. (می‌کوشد)

أَفْتَحِرُ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي
مضارع مضارع
اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیه:

۱. دَرَسَ (درس داد) ← أَجِبْ أَنْ أُدَرِّسَ فِي الْجَامِعَةِ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. لَعِبَ (بازی کرد) ← لَا تَلْعَبْ تَلْمِيذُهُ ذَكِيَّةً فِي الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۱)
۳. كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نُمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)
۵. قَاتَلَ (جنگید) ← لَا يُقَاتِلْ صَدِيقُهُ. (خرداد ۱۴۰۰)
۶. لِيُجْرِيَ فِيهِ تِجَارَتُهُ. (شهریور ۹۹)
۷. اِحْتَجَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدَ. (خرداد ۹۹)
۸. لِيَسْتَمِيعَ الْحَضَرُ بِدَقِّهِ حَتَّى يُدْرِكُوا كَلَامَهُ. (شهریور ۹۸)
۹. إِنْ تَرْجِعْ أَرْجِعْ. (شهریور ۹۸)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمْ فِي الإِمْتِحَانِ يَخْشَرُ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲ - خرداد ۹۸)
۱۱. اِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۱۲. أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ. (خرداد ۹۸)
۱۳. لِنُقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ لِكَي نَطَّلِعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۷)
۱۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۱۵. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)
۱۶. لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ. (دی ۹۷)
۱۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا يَتَذَكَّرُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ. (دی خارج ۹۹)
۲۰. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» (دی خارج ۹۹)
۲۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَي يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)

إِنتَخِبَ الفعل المُنَاسِبَ للفراغ:

۲۲. عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ مِنْ الْوَجْهِ النَّافِعِ. (خرداد ۹۹)
- (۱) يَسْتَفِيدُ ○ (۲) تَسْتَفِيدُ ○ (۳) يَسْتَفِيدُ
۲۳. لَيْتَنِي جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي. (شهریور ۹۸)
- (۱) يُشَاهِدُ ○ (۲) أَشَاهِدُ ○ (۳) تُشَاهِدُ

مضارع التزامی

۲۳

تکرار

- فعلی است که بر وقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (پ + بن فعل + شناسه ← پَرَوْم، پَرَوِی، پَرُود و ...)

① أَنْ (که) / كَي، لِي، لِكَي، حَتَّى (تا، برای این که) +

فعل مضارع (با تغییر) ← مضارع التزامی

إِثْضَلْ بِصَدِيقِهِ لِكَي يَصْلُحَ سَيَّارَتَهُمْ.	با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی
أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُنَبِّئُوا الصِّرَاطَ لِي + يُنَبِّئُوا ← لِيُنَبِّئُوا	پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی

② إِنْ (اگر)، مَنْ (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)

+ فعل (ماضی - مضارع) ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط می‌شود به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط (فعل اول) طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط (فعل دوم) مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّفْلَةِ أَنْتَبَهَتْ لَهَا جَنَاحَيْنِ.	هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رویانند. مضارع التزامی مضارع اخباری
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ	اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع التزامی مضارع اخباری

③ لِ (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

- لِ + يُرْسِلْ ← لِيُرْسِلْ (باید بفرستد)
- لِ + نَنْتَقِمْ ← لِنَنْتَقِمْ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «و»، «ف»، «ثُمَّ» قبل از «لِ» می‌آیند و آن را [لام امر] ساکن می‌کنند.

وَلْتَذَكَّرْ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.	و باید یاد کنیم.
لِ + فعل متکلم مع الغير (لِ «به خاطر (او) ساکن شده است»)	

④ لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

- لا + يَنْتَقِلْ ← لَا يَنْتَقِلْ (ناباید جابه‌جا شود)
- لا + يَذْهَبُوا ← لَا يَذْهَبُوا (ناباید بروند)

⑤ لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...) +

فعل مضارع ← مضارع التزامی

لَيْتَ قَوْمِي يَغْلِبُونَ	ای کاش قوم من بداند.
لَعَلَّهُمْ يَغْلِبُونَ	شاید آن‌ها خردورزی کنند.



پاسخ سؤالات

۱. درس بخوانم

(أَنْ + فعل مضارع (أَدْرُسُ) ← أَنْ أَدْرُسَ ← مضارع التزامی)

۲. نباید بازی کند

(لا (نهی) + فعل غایب (تَلْعَبُ) ← لا تَلْعَبُ ← مضارع التزامی منفی)

۳. نباید بنویسند

(لا (نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ← مضارع التزامی منفی)

۴. خودداری کنیم

(أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)

۵. نباید بجنگد (لا (نهی) + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لا يُقَاتِلُ ← مضارع التزامی منفی)

۶. تا اجرا کند (لِ + فعل مضارع (يُجْرِي) ← لِيُجْرِيَ ← مضارع التزامی)

۷. باید تلاش کنیم

(لِ (امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدَ ← مضارع التزامی)

۸. باید گوش فرا بدهند (لِ (امر) + فعل غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعَ ← مضارع التزامی)

۹. برگردی (إِنْ: اگر ← ادات شرط) / «تَرْجِعْ» فعل شرط است. (مضارع التزامی) / برمی گردم («أَرْجِعْ» جواب شرط است ← مضارع اخباری)

۱۰. سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)

۱۱. آموزش بخوانند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)

۱۲. نیکی بشود (أَنْ + فعل مضارع مجهول يُحَسِّنَ ← مضارع التزامی)

۱۳. باید بخوانیم (لِ (امر) + فعل متکلم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأُ (مضارع التزامی) / تا آگاه شویم (لِکی) + فعل مضارع (نَطْلِعُ) ← لِكِي نَطْلِعَ ← مضارع التزامی)

۱۴. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)

۱۵. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی)

۱۶. مورد ستم واقع شوی (أَنْ + فعل مضارع مجهول (تُظَلَمُ) ← أَنْ تُظَلَمَ ← مضارع التزامی)

۱۷. نباید به یاد آورد (لا (نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لا يَتَذَكَّرُ ← مضارع التزامی منفی)

۱۸. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)

۱۹. که برگردد (أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← أَنْ يَرْجِعَ ← مضارع التزامی)

۲۰. نباید غمگین کند (لا (نهی) + فعل غایب (يَحْزُنُ) ← لا يَحْزُنُ ← مضارع التزامی منفی)

۲۱. تا کمک کند (لِکی) + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِكِي يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی)

۲۲. گزینۀ «۳»: «يَسْتَفِيدُ» فعل مضارع در صیغۀ مفرد مذکر غایب است و با کلمۀ «الإنسان» که مفرد مذکر است مطابقت دارد؛ در ضمن حرکت آخر فعل به خاطر وجود «أَنْ» فتحه می گیرد. ← (ترجمۀ عبارت: انسان دانا باید از وجه سودمند استفاده کند.)

۲۳. گزینۀ «۲»: با توجه به ضمیر متکلم وحده «ي» در «لَيْتَنِي» فعل نیز به صورت متکلم وحده می آید. ← ترجمۀ عبارت: کاش من همۀ شهرهای کشورم را ببینم.

قد + مضارع

۱۳ تکرار

• هرگاه حرف «قَد» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می کنیم.

قَد + مضارع ← گاهی / شاید

• قَد + اَلْعَبُ ترجمه گاهی بازی می کنم، شاید بازی کنم
• در ترجمۀ فعل مضارع همراه با «قَد» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می کنیم.

قَد أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِحُجَّاتِهَا الْمُغْتَدِلِ.

گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می روم. / شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. اِسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← قَد نَسْتَرْجِعُ الرِّسَالَةَ. (خرداد ۱۴۰۲)

۲. لَعِبَ (بازی کرد) ← قَد يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الْغُرْفَةِ. (دی ۱۴۰۱)

۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَد يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)

۴. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَد يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)

۵. اِجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَد يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)

۶. وَ قَد يَذْكُرُهُمْ. (شهریور ۹۸)

۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَد يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

۸. شَجَعَ (تشویق کرد) ← قَد يَشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۹. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَد يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۰. صَنَعَ (ساخت) ← هِيَ قَد تَصْنَعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۱. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← قَد يَقْلِدُونَ. (دی خارج ۹۹)

اِنتْخِب الصَّحِيح:

۱۲. قَد الطُّيُورُ إِلَى حَيْلٍ. (شهریور ۱۴۰۱)

○ (۱) يَلْجَأُ ○ (۲) تَلْجَأُ ○ (۳) يَلْجَوُونَ

۱۳. قَد يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)

○ (۱) یاد کرده است

○ (۲) گاهی یاد خواهد کرد

○ (۳) گاهی یاد می کند

پاسخ سؤالات

۱. گاهی پس می گیریم، شاید پس بگیریم (قَد + فعل مضارع (نَسْتَرْجِعُ))

۲. گاهی بازی می کند، شاید بازی کند (قَد + فعل مضارع (يَلْعَبُ))

۳. گاهی یاد می گیرند، شاید یاد بگیرند (قَد + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))

۴. گاهی یاد می کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))

۵. گاهی تلاش می کند، شاید تلاش کند (قَد + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))

۶. گاهی یاد می کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))

۷. گاهی سخن می گوید، شاید سخن بگوید (قَد + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))

۸. گاهی تشویق می کند، شاید تشویق کند (قَد + فعل مضارع (يَشَجِّعُ))

۹. گاهی یاد می دهد، شاید یاد بدهد (قَد + فعل مضارع (يُعَلِّمُ))

«اجْتَهَدُوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست). و از باب «إِفْعَال» است و نباید آن را با ماضی «اجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.

حالا به ساخت فعل امر باب های «مُفَاعَلَة، تَفَاعُل، تَفْعِيل، تَفْعُل» دقت کنید. هنگام امر این فعل ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می کنیم به راحتی می توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.

تُجَاهِدُ امر جَاهِدْ (مبارزه کن) تَعْلَمُونَ امر عِلِّمُوا (یاد دهید)

به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «مُفَاعَلَة، تَفَاعُل، تَفْعِيل، تَفْعُل» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَة	تَفَاعُل	تَفْعِيل	تَفْعُل
ماضی	كَاتَبَ (نامه نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه نگاری می کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می شود)	يُعَلِّمُ (یاد می دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می آورد)
مصدر	مُكَاتَبَة (نامه نگاری کردن)	تَقَاعُد (بازنشسته شدن)	تَعْلِيم (یاد دادن)	تَذَكُّر (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه نگاری کن)	تَقَاعَدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

- أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← أَحْسِنُوا عَلَى الْآخَرِينَ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
- جَلَسَ (نشست) ← رَجَاءٌ، اجْلِسُوا عِنْدَ الدِّكِّمِ شَاكِرِينَ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
- اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← رَجَاءٌ، اسْتَرْجِعْ أَمَانَتَكَ. (خرداد ۱۴۰۲)
- نَصَرَ (یاری کرد) ← رَجَاءٌ، أَنْصُرِي زَمْلَانِكَ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← يَا تَلَامِيذُ! تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
- عَلَّمَنِي الْكُتُبَ النَّافِعَةَ. (ارديبهشت ۱۴۰۲)
- تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
- اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا اللَّهَ جَمِيعاً. (دی ۱۴۰۱)
- اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا النَّاسَ مِنَ اللَّهِ مَحْمُوداً. (دی ۱۴۰۱)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ! تَذَكَّرْنَ الْوَاجِبَاتِ. (شهریور ۱۴۰۱)
- اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)
- قَاتَلَ (جنگید) ← قَاتِلِ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَةَ. (شهریور ۹۹)
- شَاهَدَ (دید) ← رَجَاءٌ شَاهِدُوا. (خرداد ۹۹)

- گاهی می سازد، شاید بسازد (قَدْ + فعل مضارع (تَصْنَعُ))
- گاهی تقلید می کنند، شاید تقلید کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُقَلِّدُونَ))
- گزینه ۲: (با توجه به کلمه «الطَّيُّور» که جمع مکسر غیر عاقل است، فعل در صیغه مفرد مؤنث می آید؛ «تَلَجَّأً») ← ترجمه عبارت: گاهی پرندگان به چاره اندیشی پناه می برند.
- گزینه ۳: «گاهی یاد می کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))



فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می دهیم.
إِجْلِسْ / بَنِّشْ / اُدْخُلُوا: داخل شوید / اُزْسِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می آوریم و سپس فعل های دارای «و» در انتهای فعل به ساکن _ و فعل هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به جز نون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل های ثلاثی مزید در باب های «إِسْتِفْعَال، اِفْعَال، اِنْفِعَال، اِفْعَال» هست).

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. (اگه ضمه بود همیشه ضمه _ و اگر کسره بود همون _ _) ولی اگه فتحه بود همیشه _ (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «إِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «إِفْعَال» همیشه مفتوح _ _ هست.

به سوی پروردگارت بازگرد.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...»

(فعل امر از «تَرْجِعِينَ»)

و از بردباری و نماز یاری بجوید.

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

(فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)

به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «إِسْتِفْعَال، اِفْعَال، اِنْفِعَال، اِفْعَال» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
إِسْتِفْعَال	اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست)	يَسْتَعْفِرُ (آمزش می خواهد)	اسْتِعْفَار (آمزش خواستن)	اسْتَعْفِرْ (آمزش بخواه)
إِفْعَال	اِفْتَنَعَ (خودداری کرد)	يَمْتَنِعُ (خودداری می کند)	اِمْتِنَاع (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفِعَال	اِنْسَحَبَ (عقب نشینی کرد)	يَنْسَحِبُ (عقب نشینی می کند)	اِنْسِحَاب (عقب نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب نشینی کن)
اِفْعَال	أَجْلَسَ (نشاند)	يُجْلِسُ (می نشاند)	اِجْلَاس (نشاندن)	اِجْلِسْ (نشاندن)

به فعل های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه _ و در امر، کسره _ _ است.

مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)

لطفاً تلاش کنید.

مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا.

(فعل امر از «اجْتَهَدُونَ»)

۱۵. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← اِجْتَهَاد.

۱۶. «هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرْوِنِي...»

۱۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلَ.

۱۸. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَغْفِرُوا لِدُنُوبِكُمْ.

۱۹. «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

۲۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← اِعْمَلُوا.

۲۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اذْكُرُوا رَبَّكُمْ.

۲۲. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلُوا.

۲۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← رَجَاءٌ تَذَكَّرَ.

۲۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلُوا الْكِتَابَ.

۲۵. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اسْتَغْفِر.

۲۶. رَجَاءٌ تَنَاصَرُوا مَعَ أَصْدِقَائِكُمْ.

انتخب الفعل المناسب للفراغ:

۲۷. يَا أَيُّهَا الْحَارِثُ! عَنْ التَّوَمِ.

○ (۱) اِمْتَنَحَ ○ (۲) يَمْتَنِحَ ○ (۳) اِمْتَنَحَ

۲۸. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ»

○ (۱) اُعْبُدَنَّ ○ (۲) اَعْبُدُوا ○ (۳) يَعْْبُدَنَّ

پاسخ سؤالات

۱. «أَحْسِنُوا: نیکی کنید» (فعل امر از باب «إِفْعَال» است.)

۲. «اجْلِسُوا: بنشینید» (فعل امر از «تَجَلَّسُونَ» است.)

۳. «اسْتَرْجِعْ: پس بگیر» (فعل امر از «تَسْتَرْجِعُ» است.)

۴. «انْصُرِي: یاری کن» (فعل امر از «تَنْصُرِينَ» است.)

۵. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (فعل امر از «تَتَكَلَّمُونَ» و باب «تَفْعُلُ» است.)

۶. «عَلِّمْ: یاد بده» (فعل امر از باب «تَفْعِيل» است.)

۷. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» (فعل امر از باب «تَفْعُلُ» است. (دقت

کنین «تَعَلَّمُوا») می‌تونه ماضی هم باشه (فراگرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءٌ:

لطفاً) که معنای درخواست کاری رو می‌ده، این فعل در معنای امر هست.)

۸. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره

دارد.) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند»

اشتباه گرفت.

۹. «اسْتَغْفَرَ» مصدر باب «اسْتَفْعَال» و به معنای «آمرزش خواستن» است.

۱۰. «تَذَكَّرَنَّ: به یاد آورید» فعل امر از باب «تَفْعُلُ» است. (دقت کنید

که فعل «تَذَكَّرَنَّ: به یاد آوردند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه

به ندایی بودن جمله «أَيُّهَا...»، این فعل، امر است.)

۱۱. «اجْتَهَدُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «تلاش کنید»

است. («اجْتَهَدُوا: تلاش کردند» ماضی است.)

۱۲. «قَاتِلْ: بچنگ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَة» است.

۱۳. «المُعَامَلَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» و به معنای «رفتار کردن» است.

۱۴. «شاهدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین‌الفعل آن

کسره دارد) و نباید آن را با «شاهدوا: مشاهده کردند، دیدند» که

ماضی است اشتباه گرفت.

۱۵. «الاجْتِهَاد» مصدر باب «إِفْعَال» و به معنای «تلاش کردن» است.

۱۶. «أروا: نشان دهید» فعل امر از «تَرَوْنَ» است.

۱۷. «أَرْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعَال» به معنای «بفرست» است.

۱۸. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد)

و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.

۱۹. «أَحْسِنُوا: نیکی کنید» فعل امر از باب «إِفْعَال» است. («أَحْسِنُوا:

نیکی کردند» فعل ماضی است.)

۲۰. «إِغْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.

۲۱. «أَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.

۲۲. «أَرْسِلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «بفرستید» است.

(أَرْسِلُوا: فرستادند»، فعل ماضی است.)

۲۳. «تَذَكَّرْ: به یاد آور» فعل امر از باب «تَفْعُلُ» است.

۲۴. «أَرْسِلُوا: بفرستید» فعل امر از باب «إِفْعَال» است.

۲۵. «اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه» فعل امر از باب «اسْتَفْعَال» است.

(«اسْتَغْفِرْ: آمرزش خواست»، فعل ماضی است.)

۲۶. «تَنَاصَرُوا: همیاری کنید» فعل امر از باب «تَفَاعُلُ» است. (دقت

کنین «تَنَاصَرُوا») می‌تونه ماضی هم باشه (همیاری کردند); ولی با توجه به کلمه

(«رَجَاءٌ: لطفاً) که معنای درخواست کاری رو می‌دهد و نیز ضمیر متّصل «كُمْ» در

(«أَصْدِقَائِكُمْ» که بر مخاطب دلالت دارد، این فعل در معنای امر است.)

۲۷. گزینه «۳»: «إِمْتَنَحَ» فعل امر از باب «إِفْعَال» است و با توجه

به «أَيُّهَا الْحَارِثُ» که بر مفرد مذکر مخاطب دلالت دارد، در صیغه

«للمخاطب» آمده است.

۲۸. گزینه «۲»: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...» بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد;

بنابراین فعل امر «أَعْبُدُوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.

ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلم:

- حرف «لَ: باید» بر سر فعل‌های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می‌رود. (دقت کنین که «لَ») امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می‌کنه و نون‌دارها، نونشون حذف میشه به جز نون جمع مؤنث.

لِيُرْجَعْ ← باید برگردد (لَ + فعل مضارع غایب)

لَا بُحْثَ ← باید جست‌وجو کنم (لَ + فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می‌شود:

باید + مضارع التزامی



معلوم و مجهول
۱۴
تکرار

• فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الطِّفْلُ طَعَامَهُ. کودک غذایی را خورد.
فعل معلوم، فاعل

• تشخیص فعل ماضی مجهول

حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

کَتَبَ مجهول (نوشته شد)

اُكْتُسِبَ مجهول (به دست آورده شد)

• تشخیص فعل مضارع مجهول

حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)

حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

يُكْتُبُ مجهول (نوشته می شود)

• در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ. منبری برایش نصب شد. (برپا شد)
ماضی مجهول

• در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ. هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.
مضارع مجهول

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← هُمَا تَذَكَّرَانِ بِالْخَيْرِ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. أَمَرَ أَنْوَشِرُوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ أَلْفُ دِينَارٍ. (اردیبهشت ۱۴۰۲ - دی ۹۸)
۳. لَا تَظَلِّمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۴. شَجَعَ (تشویق کرد) ← التَّلْمِیذَاتُ یُسَجِّعْنَ فِی الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا یُعْفَرُ الْمُحْطِیُّ. (دی ۱۴۰۰)
۶. «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِیفًا» (دی ۱۴۰۰)
۷. قَطَعَ (برید) ← قُطِعَتْ شَجَرَةٌ. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۹. یُحْكِنُ أَنْ مَزَارِعًا کَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ کَبِیرَةٌ. (دی ۹۹)
۱۰. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِی. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. تُمَنِّحُ جَائِزَةً نَوْبِلَ إِلَى مَنْ یَفِیْدُ الْبَشَرِیَّةَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۲. بِالْتَّعْلِیمِ أُزْسِلْتُ. (دی ۹۷ - دی خارج ۹۷)

إِنتِخِبَ الصَّحِیحُ لِلْفَرَاغِ:

۱۳. «نَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» (خرداد ۹۹)
- ۱) فرود آورده شدند
- ۲) فرود آورده می شوند
- ۳) فرود آمدند

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. اِسْتَعْلَ (کار کرد) ← الْمُهَنْدِسُ لِيَسْتَعْلَ فِی الْمَصْنَعِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. كَتَبَ (نوشت) ← لِنَكْتُبُ جُمْلًا جَمِيلَةً فِی دَفْتَرِنَا. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۴. صَنَعَ (ساخت) ← النَّجَّارُ لِيَصْنَعَ مِنْصَدَةً. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَدَكَّرَ دَرَسَهُ. (دی ۱۴۰۱)
۶. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۷. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)
۸. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيَنْجَحَ. (شهریور ۹۸)
۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ. (شهریور ۹۹)
۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ. (دی ۹۹)
۱۱. لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ لِكِي نَطَّلِعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. باید کار کند (ل + فعل مضارع غایب (يَسْتَعْلِي) ← لِيَسْتَعْلِي (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۲. باید بنویسیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَكْتُبُ) ← لِنَكْتُبُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۳. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۴. باید بسازد (ل + فعل مضارع غایب (يَصْنَعُ) ← لِيَصْنَعُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۵. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَدَكَّرُ) ← لِيَتَدَكَّرَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۶. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۷. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۸. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۹. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۱۰. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۱۱. باید بخوانیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

۱۴. کَانَ إِضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا (خرداد خارج ۱۴۰۰)

○ (۱) يُذْرِكُ ○ (۲) تُذْرِكُ ○ (۳) يُذْرِكُونَ

پاسخ سؤالات

۱. یاد کرده می‌شوند («تُذَكِّرَانِ» فعل مضارع مجهول است.)

۲. داده شود («يُعْطَى» فعل مضارع مجهول است.)

۳. ستم‌دیده شوی («أَنْ تُظَلِّمَ» فعل مضارع مجهول است.)

۴. تشویق می‌شوند («يُسَبِّحَنَّ» فعل مضارع مجهول است.)

۵. آمرزیده نمی‌شود («لَا يُعْقَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)

۶. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)

۷. بُریده شد («قُطِعَتْ» فعل ماضی مجهول است.)

۸. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)

۹. حکایت می‌شود («يُحْكَى» فعل مضارع مجهول است.)

۱۰. بُریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)

۱۱. داده می‌شود، بخشیده می‌شود («تُمنَحُ» فعل مضارع مجهول است.)

۱۲. فرستاده شدم («أُرْسِلْتُ» فعل ماضی مجهول است.)

۱۳. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نَزَلُ» فعل ماضی مجهول است.)

۱۴. گزینه «۲»: درک نمی‌شود، به‌دست آورده نمی‌شود («لَا تُذْرِكُ» فعل مضارع منفی مجهول است و با توجه به کلمه «غَايَةً» که مفرد مؤنث آمده، فعل نیز در همین صیغه (مفرد مؤنث) می‌آید.)

لا يُخَزِّنِي (مرا غمگین نمی‌کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می‌شود.

أَعْنِي (کمکم کن، به من کمک کن) ← أَعْنِ (فعل امر) + ن + ي (أَعْنِي)

بنابراین با توجه به «ن» متوجه می‌شویم که نون دوم وقایه است. (عَوْن)

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَابُ سَاعِدُونِي.

(دی ۱۴۰۱)

۲. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظَنِي إِيْمَانِي.

(خرداد ۹۹)

۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلْنِي.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← عَلَّمْنِي عِلْمَكَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُنِي.

(دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)

۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُونِي.

(خرداد خارج ۹۸)

۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعِدُونِي.

(دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)

۸. أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ.

(دی خارج ۹۷)

۹. عَيَّنَ نَوْنَ الْوَقَايَةِ:

(خرداد ۱۴۰۱)

○ (۱) إِيْخُونِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ.

○ (۲) أَتَيْتُهَا الطَّالِبَةُ! لَا تَحْزَنِي فِي حَيَاتِكَ.

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند

((سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۲. مرا حفظ کرده است

((قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۳. با من رفتار کن

((عَامِلْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۴. به من یاد بده

((عَلِّمْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۵. به من کمک کن

((سَاعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۶. به من کمک کنید

((سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۷. به من کمک کردند

((سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۸. مرا یاری دهید

((أَعِينُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۹. گزینه «۱»: «مرا حفظ کن (إِخْمِ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

بررسی گزینه (۲):

«لَا تَحْزَنِي» فعل نهی از «تَحْزَنِينَ» است و «ن» در آن جزء ریشه فعل

است و وقایه نمی‌باشد. (حَزَنَ: ریشه فعل)

نون وقایه

۹ تکرار

• هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میان‌شان «نون» می‌آید که به آن «وقایه» گفته می‌شود.

◀ أَخَذَ + ن (وقایه) + ي ← أَخَذَنِي (مرا بُرد)

• ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می‌شود.

◀ أُرْشِدُنِي ← مرا راهنمایی کن.

فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي ← ترجمه ضمیر «ی» (به من، مرا)

◀ فعل‌هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن‌هاست مانند «يَحْزَنُ، سَكَنَ، يَفِنَ، حَسِنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تَحْزَنِي (غمگین نشو)

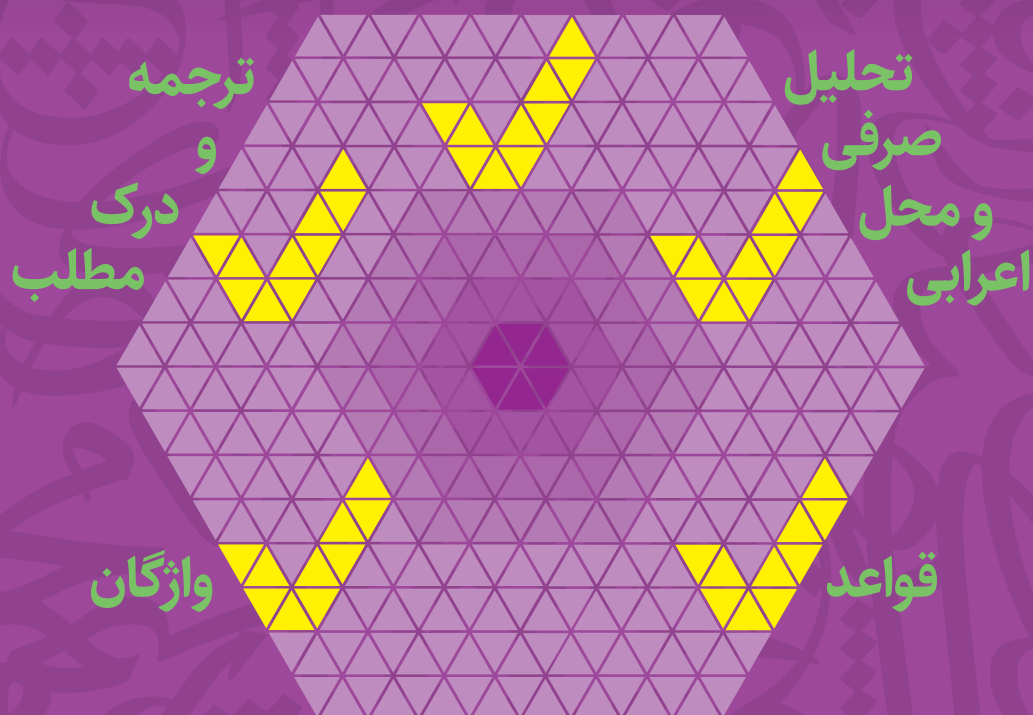
«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی‌شود؛ بلکه فاعل هست.

يا أُخْتِي الْكَرِيمَةَ أَحْسِنِي إلى المساكين. ای خواهر بخشنده‌ام به بیچارگان نیکی کن.

فعل «أَحْسِنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می‌باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزء ریشه اصلی فعل است و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

پاسخنامہ تشریحی

ترجمہ فعل



ترجمة فعل

پاسخ بخش اول

- ۱ «أُخْسِنُوا: نیکی کنید» (فعل امر از باب «إفعال» است.)
- ۲ نیکی می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُخْسِنُ» ← ماضی استمراری)
- ۳ نیکی نمی‌کنند (لا + فعل مضارع «يُخْسِنُونَ» ← مضارع منفی)
- ۴ یاد کرده می‌شوند («تَذَكَّرَانِ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۵ یاد خواهیم کرد (سَ + فعل مضارع «أَذْكُرُ» ← مستقبل)
- ۶ یاد نکردی (ما + ذَكَرْتَ ← ما ذَكَرْتَ ماضی منفی))
- ۷ نخواهد نوشت (لَنْ + فعل مضارع «يَكْتُبُ» ← لَنْ يَكْتُبُ (مستقبل منفی))
- ۸ باید بنویسیم (لَ + فعل مضارع متکلم «نَكْتُبُ» ← لِنَكْتُبُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
- ۹ وانمود نمی‌کند (لا + فعل مضارع «يَتَظَاهَرُ» ← مضارع منفی)
- ۱۰ وانمود نکنید (لا + تَتَظَاهَرُونَ) ← لا تَتَظَاهَرُوا (نهی))
- ۱۱ وانمود نکردم (ما + تَظَاهَرْتُ ← ما تَظَاهَرْتُ ماضی منفی))
- ۱۲ درس می‌دهد («يُذَرِّسُ» فعل مضارع و از باب «تَفْعِيل» است.) ← مضارع اخباری
- ۱۳ درس بخوانم (أَنْ + فعل مضارع «أُذَرِّسُ» ← أَنْ أُوذَرِّسَ مضارع التزامی)
- ۱۴ درس می‌دادند (كَانُوا + فعل مضارع «يُذَرِّسُونَ» ← ماضی استمراری)
- ۱۵ نخواهیم نشست (لَنْ + فعل مضارع «نَجْلِسُ» ← لَنْ نَجْلِسَ (مستقبل منفی))
- ۱۶ «اجْلِسُوا: بنشینید» (فعل امر از «تَجْلِسُونَ» است.)
- ۱۷ یاری کردند («نَصَرُوا» فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.)
- ۱۸ یاری خواهند کرد (سَوْفَ + فعل مضارع «يُنْصِرُونَ» ← مستقبل)
- ۱۹ «انْصُرِي: یاری کن» (فعل امر از «تَنْصُرِينَ» است.)
- ۲۰ «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (فعل امر از «تَتَكَلَّمُونَ» و باب «تَفْعُل» است.)
- ۲۱ سخن بگوید («مَنْ: هرکس» ← ادات شرط / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
- ۲۲ سخن نگفت (ما + تَكَلَّمْتُ ← ما تَكَلَّمْتُ ماضی منفی))
- ۲۳ عبادت نکنید (لا + تَعْبُدُونَ ← لا تَعْبُدُوا (نهی))
- ۲۴ عبادت نمی‌کنم (لا + فعل مضارع «أَعْبُدُ» ← مضارع منفی)
- ۲۵ گزینه «۲»: «يُخْسِنُ» (با توجه به فعل کمکی «كَانَ» فعل نیز مطابق با آن مفرد مذکر غایب می‌آید. [رد گزینه ۱] در ضمن با توجه به ترجمه عبارت فعل معلوم می‌آید نه مجهول. [رد گزینه ۳])
- ۲۶ گزینه «۱»: «الْمُتَفَرِّجُونَ» (با توجه به فاعل «الْمُتَفَرِّجُونَ» که بر جمع مذکر دلالت دارد فعل نیز جمع مذکر می‌آید اما چون در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)])
- ۲۷ کار نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع «يَشْتَغِلُ» ← لَنْ يَشْتَغِلَ (مستقبل منفی))
- ۲۸ باید کار کند (لَ + فعل مضارع غایب «يَشْتَغِلُ» ← لِيَشْتَغِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
- ۲۹ کار می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يَشْتَغِلَانِ» ← ماضی استمراری)
- ۳۰ خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))
- ۳۱ خودداری خواهیم کرد (سَوْفَ + فعل مضارع «نَمْتَنِعُ» ← مستقبل)
- ۳۲ خودداری نکرد (لَمْ + يَمْتَنِعُ ← لَمْ يَمْتَنِعْ ماضی منفی))
- ۳۳ گزینه «۲»: «الضمير متصل «ها» در کلمه «إِنَّهَا» بر مفرد مؤنث غایب دلالت دارد بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. [رد گزینه (۳)] در ضمن «لَمْ» حرکت حرف آخر فعل مضارع را از ضَمَّة به ساکن تبدیل می‌کند. [رد گزینه (۱)]
- ۳۴ گزینه «۳»: «(با توجه به فاعل «وُضِئَتْ» که جمع مکسر و مذکر است فعل به صورت مذکر می‌آید [رد گزینه (۱)] و چون فعل غایب در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد می‌آید. [رد گزینه (۲)])
- ۳۵ پس نگرفت (لَمْ + يَشْتَرِجُ ← لَمْ يَشْتَرِجْ ماضی منفی))
- ۳۶ «اشْتَرِجُ: پس بگیر» (فعل امر از «تَشْتَرِجُ» است.)
- ۳۷ پس نخواهد گرفت (لَنْ + فعل مضارع «تَشْتَرِجُ» ← لَنْ تَشْتَرِجَ (مستقبل منفی))
- ۳۸ پس نگیر (لا + تَشْتَرِجُ ← لا تَشْتَرِجْ (نهی))
- ۳۹ پس خواهد گرفت (سَ + فعل مضارع «يَشْتَرِجُ» ← مستقبل)
- ۴۰ گاهی پس می‌گیریم، شاید پس بگیریم (قَدْ + فعل مضارع «تَشْتَرِجُ»)
- ۴۱ گزینه «۳»: «(اِئْتَنِعْ» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» است و با توجه به «أَيُّهَا الْحَارِشُ» که بر مفرد مذکر مخاطب دلالت دارد، در صیغه «لِلْمُخَاطَب» آمده است.
- ۴۲ گزینه «۲»: «يَحْضُرُ» (با توجه به «السُّيَّاح» که جمع مکسر است و نیز در اول جمله، فعل غایب به صورت مفرد می‌آید.) ← گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.
- ۴۳ «اِسْتَعْفُوا: آموزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد.) و نباید آن را با فعل ماضی «اِسْتَعْفُوا: آموزش خواستند» اشتباه گرفت.
- ۴۴ آموزش نخواهد خواست (لَنْ + فعل مضارع «يَسْتَغْفِرُ» ← لَنْ يَسْتَغْفِرَ (مستقبل منفی))
- ۴۵ «اِسْتِغْفَار» مصدر باب «اِسْتِغْفَال» و به معنای «آموزش خواستن» است.
- ۴۶ نباید بازی کند (لا (نهی) + فعل غایب «تَلْعَبُ» ← لا تَلْعَبُ مضارع التزامی منفی)
- ۴۷ بازی کرده بودند (كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی «لَعِبُوا» ← ماضی بعید)

- ۴۸ گاهی بازی می‌کند، شاید بازی کند (قَدْ + فعل مضارع (يَلْعَبُ))
- ۴۹ گزینه «۲»: تَلَجَّأُ (با توجه به کلمه «الطُّيُور» که جمع مکسر غیرعاقل است، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید؛ «تَلَجَّأُ») ← گاهی پرندگان به چاره‌اندیشی پناه می‌برند.
- ۵۰ گزینه «۳»: حَضَرُوا («الزُّمَلَاء» جمع مذکر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکر می‌آید.) ← هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.
- ۵۱ پنهان نکن (لا + تَكْتُمُ ← لا تَكْتُمُ ← نهی)
- ۵۲ پنهان نکرده بود (ماکانَ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَمَ) ← ماضی بعید منفی)
- ۵۳ پنهان نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُمُونَ) ← لَنْ يَكْتُمُوا ← مستقبل منفی)
- ۵۴ به یاد می‌آورند («يَتَذَكَّرُونَ» فعل مضارع و از باب «تَفَعَّل» است. ← مضارع اخباری)
- ۵۵ به یاد نمی‌آورَد (كانثَ + لا + فعل مضارع «تَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)
- ۵۶ «تَذَكَّرْنَ: به یاد آورید» (فعل امر از باب «تَفَعَّل» است. دقت کنید که فعل «تَذَكَّرْنَ: به یاد آوردند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه به ندایی بودن جمله «أَتَيْهَا...»، این فعل، امر است.)
- ۵۷ گزینه «۲»: لا تَعْلَمُونَ (با توجه به فعل کمکی «كُنْتُمْ» فعل نیز در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
- ۵۸ گزینه «۱»: ذَكَرْتُ («المُؤْمِنَات» جمع مؤنث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنث می‌آید.) ← مؤمنان پروردگارشان را یاد کرده‌اند.
- ۵۹ باید بسازد (لِـ امر) + فعل غایب (يَصْنَعُ) ← لِيَصْنَعُ ← مضارع التزامی)
- ۶۰ نساز (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعُ ← نهی)
- ۶۱ نخواهد ساخت (لَنْ + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← لَنْ يَصْنَعَ (مستقبل منفی))
- ۶۲ تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعَانِ ← لَمْ يُشَجِّعَا ← ماضی منفی)
- ۶۳ تشویق کرده بودند (كانوا + قَدْ + فعل ماضی (شَجَّعُوا) ← ماضی بعید)
- ۶۴ تشویق می‌شوند («يُشَجِّعْنَ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۶۵ گزینه «۲»: لا يَرْحَمُ («الله» مفرد مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینه (۱) حرکت آخر فعل فتحه گرفته و نادرست است. (یادتون باشه حرف «لا» ی نفی آخر فعل رو تغییر نمی‌ده.) ← خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم نمی‌کند.
- ۶۶ گزینه «۱»: يَرْحُصُ («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد؛ بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.
- ۶۷ آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۶۸ بحث نکنید (لا + تُجَادِلُونَ ← لا تُجَادِلُوا ← نهی)
- ۶۹ تصمیم گرفت («فَزَرَ» فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.)
- ۷۰ آموزش می‌خواهم («أَشْتَقُّ» فعل مضارع و از باب «اِسْتِفْعَال» است. ← مضارع اخباری)
- ۷۱ گزینه «۲»: أُعْبِدُوا «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...» بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد؛ بنابراین فعل امر «أُعْبِدُوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.
- ۷۲ گزینه «۱»: حَضَرَ (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جميع» مذکر است؛ بنابراین مذکر نیز می‌آید.) ← همه دانش‌آموزان به جز جواد در سالن امتحانات حاضر شدند.
- ۷۳ بُریده شد («قُطِعَتْ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۷۴ می‌بُریدند (كانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)
- ۷۵ نَبْرُ (لا + تَقْطَعُ ← لا تَقْطَعُ ← نهی)
- ۷۶ خودداری کرده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (امْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
- ۷۷ خودداری نخواهیم کرد (لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)
- ۷۸ خودداری نکردند (لَمْ + يَمْتَنِعُونَ ← لَمْ يَمْتَنِعُوا (ماضی منفی))
- ۷۹ گزینه «۳»: لا تَجْتَمِعُ («خَضَلَتَانِ» مثنای مؤنث است؛ بنابراین فعل مؤنث می‌آید. [رد گزینه ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه ۲]. ترجمه عبارت: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ.
- ۸۰ گزینه «۱»: رَجَعُوا (با توجه به «الْأَعْبُونَ» که جمع مذکر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← بازیکنان ایرانی را لبخند از مسابقه بازگشتند.
- ۸۱ نباید بجنگد (لا (نهی) + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لا يُقَاتِلُ ← مضارع التزامی منفی)
- ۸۲ نخواهید جنگید (لَنْ + فعل مضارع (تُقَاتِلُونَ) ← لَنْ تُقَاتِلُوا ← مستقبل منفی)
- ۸۳ «قَاتِل: بجنگ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَة» است.
- ۸۴ فرستاده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی بعید)
- ۸۵ نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلُ ← نهی)
- ۸۶ نفرستادیم (لَمْ + تُرْسِلُ ← لَمْ تُرْسِلْ (ماضی منفی))
- ۸۷ گزینه «۳»: يَسْتَمْعُونَ («الطَّلَاب» جمع مذکر است و فعل نیز مطابق با آن جمع مذکر می‌آید.) ← دانش‌آموزان به سخن استاد خود گوش فرا می‌دادند.
- ۸۸ گزینه «۲»: حَضَلُوا («الْعُلَمَاء» جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی دست یافتند.
- ۸۹ نبوسید (لَمْ + فعل مضارع (يُقَبِّلُ) ← لَمْ يَقَبِّلْ (ماضی منفی) / ماضی نقلی منفی) / «انْزَعَجَ: ناراحت شد» فعل ماضی است.
- ۹۰ حکایت می‌شود («يُحْكِي» فعل مضارع مجهول است.) / پرورش می‌داد (كانَ + فعل مضارع «يُرْبِي» ← ماضی استمراری)
- ۹۱ احساس کرده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (شَعَرَ) ← ماضی بعید) / ساخته است (قَدْ + بَنَى (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)

فهرست

درس اول مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)

۳ بسته اول: متن درس

۶ بسته دوم: تمرین

درس دوم الْوَجْهُ النَّافِعُ، وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ

۱۲ بسته اول: متن درس

۲۰ بسته دوم: تمرین

درس سوم ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ

۲۹ بسته اول: متن درس

۳۷ بسته دوم: تمرین

درس چهارم نِظَامُ الطَّبِيعَةِ

۴۰ بسته اول: متن درس

۴۸ بسته دوم: تمرین

درس پنجم يَا إِلَهِي

۵۵ بسته اول: متن درس

۵۶ بسته دوم: تمرین

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)

لطفاً قبل از مطالعه این کتابچه، درس‌نامه «تجزیه و ترکیب» را از کتاب اصلی (صفحات ۲۰۲ تا ۲۱۱ عربی ۳ فرمول بیست) بخوانید.

متن درس

بیست

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع) (از اشعار نسبت داده شده به امام علی (ع))

الدَّاءُ وَالْذَّوَاءُ (بیماری و دارو)

عبارت: دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تُشْعُرُ

ترجمه روان: دارویت در [وجود] خودت است و نمی‌بینی و بیماری‌ات [نیز] از خودت است و احساس نمی‌کنی.

بررسی کلمه‌های مهم: دَوَاؤُكَ: (دَوَاؤُ: مبتدا و مرفوع / لَک: مضاف‌إلیه) / فَيْک: جارّ و مجرور، خبر / مَا تُبْصِرُ: فعل مضارع منفی، ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» / دَاؤُک: (دَاؤُ: مبتدا و مرفوع / لَک: مضاف‌إلیه) / مِنْک: جارّ و مجرور، خبر / لَا تُشْعِرُ: فعل مضارع منفی، ثلاثی مجرّد

نکته: برای منفی کردن فعل مضارع، علاوه بر «لا»، گاهی از حرف «ما» نیز استفاده می‌شود (ما تُبْصِرُ: نمی‌بینی)

عبارت: أَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

ترجمه روان: آیا می‌پنداری که تو جسمی کوچک هستی؟ حال آن‌که جهان بزرگ‌تر در تو به هم پیچیده شده است.

بررسی کلمه‌های مهم: أَ: حرف استفهام / تَزَعَمُ: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب / أَنْ: از حروف مشبّهة بالفعل / لَک: اسم «أَنْ» / جِرْمٌ: خبر «أَنْ» و مرفوع / صَغِيرٌ: صفت و مرفوع به تبعیّت از «جِرْمٌ» / فَيْک: جارّ و مجرور / انْطَوَى: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مزید از باب «انْفَعَال» / الْعَالَمُ: فاعل و مرفوع / الْأَكْبَرُ: اسم تفضیل، صفت و مرفوع به تبعیّت از «الْعَالَمُ»

نکته: تمامی ادوات استفهام (کلمات پرسشی)، اسم هستند به جز «هل» و «أ» که حرف محسوب می‌شوند.

النَّاسُ أَكْفَاءٌ (مردم یکسان هستند)

عبارت: النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءٌ أَبَوْهُمْ آدَمُ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ

ترجمه روان: مردم از نظر اجداد و نیاکان یکسان اند، پدرشان آدم و مادر[شان] حواست.

بررسی کلمه‌های مهم: النَّاسُ: مبتدا و مرفوع / جِهَةٌ: مجرور به حرف جر / الْأَبَاءُ: جمع مکسّر، مضاف‌إلیه / أَكْفَاءُ: خبر و مرفوع / أَبَوْهُمْ: (أَبُو: مبتدا / هُم: مضاف‌إلیه) / آدَم: معرفه به عَلَم، خبر و مرفوع / الْأُمُّ: مبتدا و مرفوع / حَوَاءُ: خبر و مرفوع

عبارت: وَقَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَلِلرَّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ

ترجمه روان: و ارزش هر آدمی به چیزی (کاری) است که آن را به خوبی انجام می‌دهد و انسان‌ها به واسطه کارها [یشان] نام‌هایی دارند. (یعنی ارزش واقعی انسان‌ها به کردار آن‌هاست.)

بررسی کلمه‌های مهم: قَدَرُ: مبتدا و مرفوع / كُلُّ: مضاف‌إلیه و مجرور / امْرِئٍ: مضاف‌إلیه و مجرور / ما: اسم موصول عام، خبر / كَانَ: از افعال ناقصه / يُحْسِنُهُ: (يُحْسِنُ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال») / ه: مفعول) / لِلرَّجَالِ: جارّ و مجرور / عَلَى الْأَفْعَالِ: جارّ و مجرور

نکته: اگر بعد از کلمه «كُلُّ» اسم نکره بیاید، آن را «هر» ترجمه می‌کنیم. (كُلُّ امْرِئٍ: هر مردی، هرانسانی)

عبارت: فَفَزِعَ عِلْمٌ وَلَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا فَالْتَأَسُّ مَوْتِي وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

ترجمه روان: پس دانش را کسب کن و برای آن جایگزینی نخواه که مردم، مرده و اهل دانش زنده‌اند.

بررسی کلمه‌های مهم: فَزِعَ: فعل امر از «فَزَعَ، يَفْزَعُ»، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرّد / لَا تَطْلُبُ: فعل نهی / بَدَلًا: مفعول و منصوب / التَّأَسُّ: مبتدا و مرفوع / مَوْتِي: جمع مکسر، خبر / أَهْلُ: مبتدا و مرفوع / الْعِلْمِ: مضاف‌إلیه و مجرور / أَحْيَاءُ: جمع مکسر، خبر

الْفَخْرُ بِالْعَفَافِ (افتخار به پاکدامنی است.)

عبارت: أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٍّ وَلِأَبٍ

ترجمه روان: ای افتخارکننده به اصل و نسب از روی نادانی (ای که نابخردانه به دودمان افتخار می‌کنی)، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.

بررسی کلمه‌های مهم: الْفَاخِرُ: اسم فاعل از ثلاثی مجرّد / بِالنَّسَبِ: جارّ و مجرور / النَّاسُ: مبتدا و مرفوع / لَأُمٍّ: جارّ و مجرور، خبر / لِأَبٍ: جارّ و مجرور، خبر

نکته: اگر بعد از «إِنَّمَا» اسم بیاید، نقش مبتدا را دارد.

عبارت: هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِصَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

ترجمه روان: آیا آنان را می‌بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بررسی کلمه‌های مهم: هَلْ: حرف استفهام (پرسشی) / تَرَاهُمْ: (تَرَى: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرّد / هَم: مفعول) / خُلِقُوا: فعل ماضی مجهول، جمع مذکر غایب / فِصَّةٍ: مجرور به حرف جر

عبارت: بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ

ترجمه روان: بلکه آنان را می‌بینی که از [تکه] گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و عصب (پی) هستند؟

بررسی کلمه‌های مهم: طِينَةٍ: مجرور به حرف جر / لَحْمٍ: مضاف‌إلیه و مجرور

نکته: ضمایر متصل (ه، هما، هم...ک، گما، گم...ی، نا) اگر به آخر فعل متصل شوند، نقش مفعول دارند.

عبارت: إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

ترجمه روان: افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

بررسی کلمه‌های مهم: الْفَخْرُ: مبتدا و مرفوع / لِعَقْلِ: جارّ و مجرور، خبر / ثَابِتٍ: اسم فاعل از ثلاثی مجرّد، صفت و مجرور به تبعیّت از «عقلي»

عبارت: دَاوَأْنَا فِينَا وَ نَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ دَاوَأْنَا مِنَّا وَ نَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ.

ترجمه روان: داروی ما در ماست و ما به آن می‌نگریم و بیماری ما از [خود] ماست و ما آن را احساس می‌کنیم.

بررسی کلمه‌های مهم: دَاوَأْنَا: (دَوَاء: مبتدا و مرفوع / نا: مضاف‌إلیه) / فِينَا: جاز و مجرور - خبر / نَحْنُ: مبتدا / نَنْظُرُ: فعل مضارع، ثلاثی مجزّء - خبر / إِلَيْهِ: جاز و مجرور / دَاوَأْنَا: (دَاء: اسم، مفرد مذکر - مبتدا و مرفوع / نا: مضاف‌إلیه) / مِنَّا (= من + نا): جاز و مجرور - خبر / نَحْنُ: مبتدا / نَشْعُرُ: فعل مضارع، ثلاثی مجزّء - خبر / به: جاز و مجرور

عبارت: الْفَخْرُ لِلْعَقْلِ وَ الْخِيَاءِ وَ الْعَفَافِ وَ الْأَدَبِ.

ترجمه روان: افتخار به خرد، شرم، پاکدامنی و ادب است.

بررسی کلمه‌های مهم: الْفَخْرُ: مبتدا و مرفوع / للعقل: جاز و مجرور - خبر

عبارت: خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينَةٍ وَ هُوَ لَحْمٌ وَ عَظْمٌ وَ عَصَبٌ.

ترجمه روان: انسان از گل آفریده شده در حالی که او گوشت و استخوان و بی است.

بررسی کلمه‌های مهم: خُلِقَ: فعل ماضی، مجهول / الْإِنْسَانُ: نایب فاعل و مرفوع / طِينَةٍ: مجرور به حرف جر / هُوَ: مبتدا / لَحْمٌ: خبر و مرفوع

عبارت: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ.

ترجمه روان: ارزش هر انسانی به کارهای نیک اوست.

بررسی کلمه‌های مهم: قِيمَةُ: مبتدا و مرفوع / كُلِّ: مضاف‌إلیه و مجرور / امْرِئٍ: اسم، مفرد، مذکر - مضاف‌إلیه و مجرور / بِأَعْمَالِهِ: (بِأَعْمَالٍ: جاز و مجرور - خبر / ه: مضاف‌إلیه) / الْحَسَنَةُ: صفت برای «أعمال»

عبارت: التَّفَاخُزُ بِالتَّسْبِ مَحْمُودٌ.

ترجمه روان: افتخار کردن به اصل و نسب پسندیده است.

بررسی کلمه‌های مهم: التَّفَاخُزُ: اسم، مصدر ثلاثی مزید از باب «تفائل» - مبتدا و مرفوع / بالتَّسْبِ: جاز و مجرور / محمودٌ: اسم مفعول از ثلاثی مجزّء - خبر و مرفوع

عبارت: أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ وَ إِنْ مَاتُوا.

ترجمه روان: اهل دانش زنده‌اند اگرچه مرده باشند.

بررسی کلمه‌های مهم: أَهْلُ: مبتدا و مرفوع / الْعِلْمِ: مضاف‌إلیه و مجرور / أَحْيَاءٌ: خبر و مرفوع / مَاتُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی مجزّء